قانون
عصر
روزنامه اجتماعی، اقتصادی
سه شنبه
۱۹ آبان ۱۴۰۵ • ۳۰ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ • 10 November 2026
۸ صفحه • پنج‌هزارتومان • سال پنجم • شماره نهصد و سی و پنج
www.asrghanoonir

مقاومت کوبا

کوبا: آماده رویارویی با آمریکا هستیم

پاسخ فوری، محکم و پرقدرت، به هر سطح از تهدید



ویژه

امیر سرتیپ علی جهانشاهی

فرمانده نیروی زمینی ارتش

امیر سرتیپ علی جهانشاهی روز دوشنبه ۱۸ آبان ۱۴۰۵ در آیین بیست‌وچهارمین جشن دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه افسری امام علی(ع) که با حضور جمعی از فرماندهان و مسئولان، در این دانشگاه برگزار شد، ضمن گرامیداشت یاد و خاطره ۱۲۰۳ شهید دانش‌آموخته دانشگاه افسری امام علی(ع)، بر جایگاه والای این شهدا در تاریخ پرافتخار ارتش جمهوری اسلامی ایران تأکید کرد و پاسداشت آرمان‌ها و راه پرافتخار آنان را از مسئولیت‌های نسل جوان افسران دانست.

وی با تأکید بر نقش کلیدی افسران جوان در تقویت توان رزمی این نیرو، انضباط، تعهد سازمانی و تعامل مؤثر با فرماندهان را از الزامات موفقیت در مأموریت‌های نظامی دانست.

فرمانده نیروی زمینی ارتش همچنین با اشاره به مسئولیت خطیر افسران جوان در ساختار نیروی زمینی ارتش، بر ضرورت به‌کارگیری آموخته‌ها و مهارت‌های کسب‌شده در دوران تحصیل تأکید کرد.

امیر سرتیپ جهانشاهی اظهار داشت: دانش‌آموختگان باید با تکیه بر دانش تخصصی، روحیه مسئولیت‌پذیری، انضباط و تعهد سازمانی، در مسیر ارتقای آمادگی رزمی و عملیاتی یگان‌های خود گام بردارند.

وی با بیان اینکه امروز نیروی زمینی ارتش آماده مقابله با هر نوع تهدیدی است افزود: نیروی زمینی محوری ارتش با توکل بر خداوند متعال و برخورداری از آمادگی رزم هوشمندانه، سرمایه انسانی، تسلیحات و تجهیزات کارآمد و بهره گیری از بنیه معنوی و فناوری نوین تحت رهبری های داهیانه مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا(مدظله العالی) آماده است تا در مقابله با تهدیدات در هر سطحی فوری، محکم، پر قدرت و با شدت بیش از پیش پاسخ دهد.

فرمانده نیروی زمینی ارتش با قدردانی از تلاش‌های فرماندهان، استادان و مسئولان دانشگاه در عرصه آموزش و تربیت دانشجویان افسری، نقش مجموعه آموزشی و فرماندهی دانشگاه را در آماده‌سازی افسران شایسته و متعهد برای خدمت در نیروی زمینی ارتش حائز اهمیت دانست.

در این مراسم، دانش‌آموختگان با قرائت سوگندنامه و دریافت سردوشی از فرمانده نیروی زمینی ارتش، آمادگی خود را برای آغاز خدمت در یگان‌های این نیرو اعلام کردند و بر تعهد خود به پاسداری از استقلال، امنیت و تمامیت ارضی کشور تأکید ورزیدند.

همچنین در بخش دیگری از مراسم، از جمعی از فرماندهان، استادان و مسئولان دانشگاه افسری امام علی(ع) و دانش‌آموختگان برتر، به پاس تلاش‌ها و خدمات ارزنده آنان تجلیل شد.



هشدار افزایش قیمت مسکن با ممنوعیت ساخت‌وساز در تهران و البرز

۵

شکست ترامپ، شکست جمهوری‌خواهان

۴

اعلام آمادگی وزیر دفاع

برای اجرای قاطع تدابیر فرمانده معظم کل قوا

۲



اعلام آمادگی وزیر دفاع برای اجرای قاطع تدابیر

مهرداد اخلاقی وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در پی تدابیر و فرامین راهبردی فرمانده معظم کل قوا در دیدار با فرماندهان ارشد نیروهای مسلح، بر آمادگی قاطع وزارت دفاع برای عملیاتی‌سازی و تحقق این رهنمودها تأکید کرد و ارتقای آمادگی رزمی، تقویت توان بومی و جهش فناورانه در صنایع دفاعی را از محورهای اصلی اقدامات این وزارتخانه برشمرد.تدابیر و فرامین راهبردی فرمانده معظم کل قوا، حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای (مدّ ظلّه العالی)، خطاب به فرماندهان ارشد نیروهای مسلح را با دقت و اهتمام دریافت کرده‌ایم، این تدابیر، نقشه راه و جهت‌گیری راهبردی مجموعه دفاعی کشور را در مقطع پیش‌رو ترسیم کرده و مسئولیت ما را در صیانت از امنیت، استقلال و اقتدار ملی سنگین‌تر ساخته است. تأکید می‌کنیم که وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، نه‌تنها در دریافت و درک این رهنمودها، بلکه در عملیاتی‌سازی، تحقق میدانی و تبدیل آن‌ها به دستاوردهای ملموس دفاعی، خود را متعهد و مسئول می‌داند، همه ظرفیت‌های سازمانی، صنعتی، علمی و فناورانه وزارت دفاع در خدمت تحقق این تدابیر قرار خواهد گرفت.

ما ارتقای آمادگی رزمی هوشمندانه و تحقق راهبرد پاسخ فوری، مؤثر و متناسب به هرگونه تهدید، در هر نقطه و بدون محدودیت جغرافیایی را با قاطعیت دنبال می‌کنیم. شتاب‌بخشی به چرخه طراحی، تولید و تأمین تجهیزات و تسلیحات دفاعی، تقویت زیرساخت‌های صنعتی و فناورانه و ارتقای توان پشتیبانی از نیروهای مسلح، در کانون اقدامات ما قرار دارد. پیام ما به هر طرفی که امنیت و منافع ملی ایران را هدف تهدید قرار می‌دهد، روشن است؛ هرگونه تعرض با پاسخ متناسب، قاطع و اثرگذار مواجه خواهد شد. دامنه، زمان و پیامدهای پاسخ دفاعی ایران را تهدیدکنندگان تعیین نخواهند کرد. ما برای دفاع از امنیت و منافع ملی کشور، از آمادگی، اراده و توان لازم برخورداریم.در عرصه فناوری نیز، رویکرد ما صرفاً استمرار مسیرهای موجود نیست؛ بلکه حرکت به‌سوی جهش فناورانه، نوآوری‌های شالوده‌شکن و دستیابی به قابلیت‌های برتر دفاعی را دنبال می‌کنیم، این مسیر، جسارت علمی، شجاعت فناورانه، عبور از چارچوب‌های متعارف و اعتماد به توان خلاق دانشمندان و متخصصان ایرانی را می‌طلبد. ما بر این باوریم که آینده اقتدار دفاعی کشور را صرفاً با افزایش کمّی تجهیزات نمی‌توان ساخت؛ بلکه باید با ایده‌های نو، فناوری‌های پیشرفته و راه‌حل‌های هوشمندانه، معادلات و محاسبات دشمن را با واقعیت‌های جدید مواجه کرد،

ازاین‌رو، تقویت معماری اطلاعات نظامی، توسعه دفاع بومی، حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، ارتقای توان پژوهشی و صنعتی و تبدیل دستاوردهای علمی به قابلیت‌های عملیاتی، با شتاب و جدیت دنبال خواهد شد. تجربه گران‌سنگ بومی‌سازی در صنایع دفاعی نشان داده است که جوانان مؤمن، دانشمندان و متخصصان این سرزمین از ظرفیت و توان لازم برای عبور از محدودیت‌ها و خلق فناوری‌های پیشرفته برخوردارند.صیانت از سرمایه انسانی ارزشمند نیروهای مسلح، تقویت بنیه معنوی، توجه به معیشت کارکنان و خانواده‌های مکرم آنان و ارتقای روحیه جهادی، انگیزه و توانمندی نیروی انسانی، از دیگر محورهای مورد تأکید فرمانده معظم کل قواست. ما در وزارت دفاع، تکریم و پشتیبانی از کارکنان و خانواده‌های آنان را مسئولیتی حاشیه‌ای نمی‌دانیم؛ بلکه آن را رکن جدایی‌ناپذیر مأموریت دفاعی کشور و هم‌سنگ با توسعه توان تسلیحاتی، صنعتی و فناورانه تلقی می‌کنیم. سرمایه انسانی مؤمن، متخصص، باانگیزه و برخوردار از پشتوانه خانوادگی، بزرگ‌ترین پشتوانه پیشرفت و اقتدار دفاعی کشور است و برای ارتقای جایگاه و توانمندی این سرمایه ارزشمند، برنامه‌های حمایتی، فرهنگی، معیشتی و معنوی را با اهتمامی مضاعف دنبال خواهیم کرد.وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، اجرای این تدابیر را با اتکا به ظرفیت بی‌بدیل متخصصان و دانشمندان ایرانی، توانمندی صنایع دفاعی، شرکت‌های دانش‌بنیان و سرمایه عظیم انسانی کشور و با هم‌افزایی کامل با ستادکل نیروهای مسلح و سایر نیروهای مسلح پیش خواهد برد. همه ظرفیت‌های سازمانی، صنعتی، پژوهشی و فناورانه وزارت دفاع در خدمت ارتقای آمادگی، تقویت بازدارندگی و پاسخ‌گویی مؤثر به نیازهای نیروهای مسلح قرار خواهد گرفت.

ما به‌پشتوانه دانش بومی، توان صنعتی، سرمایه انسانی و اراده ملی، مسیر ارتقای اقتدار دفاعی کشور را با قدرت ادامه می‌دهیم، پیام ما روشن است؛ ایران در برابر تهدید، غافلگیر نخواهد شد؛ در برابر فشار، متوقف نخواهد ماند و در مسیر پیشرفت علمی و فناورانه، محدود به محاسبات و اراده دیگران نخواهد بود. تدابیر فرمانده معظم کل قوا را با تمام توان به برنامه، اقدام و دستاورد تبدیل خواهیم کرد و در پاسداری از امنیت، استقلال و تمامیت سرزمینی کشور، لحظه‌ای درنگ نخواهیم کرد.

برداشتن محدودیت موشکی ایران و پایان دکترین خویشتن‌داری



اکبر معصومی کارشناس مسائل بین الملل: با توجه به شرایط پیش‌رو و صحبت‌های حضرت آقا، «جنگ رمضان» معادلات منطقه را به طور کامل تغییر داده و اتفاقات بسیار بسیار مهمی در خاورمیانه یا در غرب آسیا رخ داده است؛ به طوری که عملا آمریکایی‌ها پایگاههای خودشان را از حالت عملیاتی به نوعی خارج کرده‌اند و مثل قبل از ۹ اسفند، روی پایگاه‌های خود در راستای عملیات علیه ایران حساب نمی‌کنند.وی افزود: بنابراین، آنچه امروز در پایگاه‌های آمریکایی در کویت، قطر و به‌خصوص در بحرین وجود دارد، حاکی از آن است که آن‌ها نیروهای خود را در پایگاه‌ها نگه داشته و در بین مردم آن شهر و کشورها پخش کرده‌اند و به نوعی از رویکرد تهاجمی به رویکرد تدافعی خارج شده‌اند. ارزیابی ما از رویکرد رفتاری ایالات متحده این است که آمریکایی‌ها تلاش می‌کنند عملیات نظامی علیه ایران را به نحوی طراحی کنند که بیشترین ضربه را به ایران وارد کرده و در عین حال کمترین آسیب را ببینند. ب

ر همین مبنا، تمام دسترسی‌ها به اصول و منافع خودشان را در خاورمیانه محدود کرده و این‌ها را به جاهای مختلف انتقال داده‌اند.این کارشناس مسائل بین‌الملل ادامه داد: به طور مثال، آنچه آمریکایی‌ها در پایگاه دریایی خود در بحرین داشتند، تمام تجهیزات لجستیکی و پشتیبانی خود را طبق گزارش پنتاگون به جزیره «دیگو گارسیا» که متعلق به انگلیس است و در اقیانوس هند و در فاصله ۴۵۰۰ کیلومتری از مرز جمهوری اسلامی ایران قرار دارد، منتقل کرده‌اند.

شناسایی دارایی‌های مادی و غیرمادی دشمن در منطقه و جهان

معصومی ادامه داد: نکته دوم این است که آمریکایی‌ها از طریق شرکت‌های پوششی در کشورهای حاشیه خلیج فارس منافع و تجهیزات دارند و فرمان حضرت آقا مبتنی بر این بود که به نوعی این تجهیزات و این شرکت‌ها نیز مورد شناسایی قرار بگیرند تا بشود به آن‌ها ضربه زد که یک نمونه آن را هم شما می‌توانید در شرکت‌هایی که متولی هوش مصنوعی هستند هدف قرار دهید.

وی تصریح کرد: بنابراین در چنین شرایطی، همه تجهیزات به اصطلاح نظامی و اقتصادی ایالات متحده که به نوعی پشتیبان جنگ علیه ایران هستند، مورد شناسایی قرار گرفته و ضربه به صورت حتمی به آن‌ها وارد خواهد شد. سیاست نظام مبتنی بر این است که ایران بتواند آخرین ضربه خود را بر حضور نظامی و اقتصادی ایالات متحده در منطقه وارد کند که الزام این کار هم منوط به این است که این تجهیزات مورد شناسایی قرار بگیرد و همه این‌ها در شرایط کنونی شناسایی شده‌اند؛ نه تنها در منطقه.

وی خاطرنشان کرد: ببینید، شرکت‌هایی در خود رژیم صهیونیستی، در اردن، در کشوری مثل قبرس، در بلغارستان، در اطراف جمهوری اسلامی ایران، در عراق و سوریه وجود دارند که تجهیزات اقتصادی به صورت پوششی برای فعالیت دارند و امروز با فرمانی که آقا دادند، نیروهای مسلح ما مکلف‌اند این‌ها را مورد شناسایی قرار دهند و ورق را جور دیگری برگردانند.

برداشته شدن محدودیت برد موشک‌های ایران؛ پایان دکترین خویشتن‌داری

معصومی در پاسخ به این پرسش که پیامد این رویکرد و اینکه دفاع فارغ از محدودیت جغرافیایی باشد، شامل کدام مناطق، مکان‌ها و کشورها می‌تواند بشود، گفت: واقعیت این است که اولاً با فرمانی که رهبری دادند، حکم محدودیت زمانی برداشته شد و حکم افزایش برد موشک‌های جمهوری اسلامی ایران صادر گردید.

این در واقع راهبردی بود که ایران امروز به این مرحله رسیده است؛ قبلا می‌دانید که ما برای اینکه نشان دهیم یک کشور صلح‌طلب هستیم و هیچ‌گونه هزینه و

تحلیلی برای کشورهای اروپایی نداریم، برد موشک‌های خود را محدود به ۳ هزار کیلومتر کرده بودیم و افزایش بردها را عملا برای خودمان متوقف کرده بودیم تا بتوانیم رویکردهای خودمان را به اروپایی‌ها صادر کنیم، اما امروز این محدودیت‌ها برداشته شد.

هشدار صریح به اروپا و ناتو؛ پاسخ ایران به هر تجاوزی بدون محدودیت جغرافیایی خواهد بود

وی افزود: نکته دوم این است که هر حمله‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران صورت بگیرد، باید بلافاصله مورد ضرب و شتم موشک‌های جمهوری اسلامی ایران قرار بگیرد؛ آنچه در قطر، بحرین و کویت اتفاق افتاد. برداشت من این است که امروز وقتی صحبت از برد موشک‌ها شد، یعنی اگر عملیاتی علیه ایران از جزیره‌ای که متعلق به کشور انگلیس است، از قبرس، بلغارستان و سایر کشورهای اروپایی اتفاق بیفتد، ایران بتواند در واقع جواب آن‌ها را هم بدهد و به نوعی همراهی کشورهای اروپایی نباید بدون هزینه و بدون پاسخ بماند.

این کارشناس مسائل بین‌الملل تاکید کرد: برداشت من این است که اگر در زمانی که حضرت آقای شهید ما فرموده بودند که جنگ منطقه‌ای در صورت حمله به ایران اتفاق خواهد افتاد، امروز علنا این اتفاق رخ می‌دهد.

معصومی در ارزیابی خود با اشاره به گسترش ابعاد تنش فراتر از مرزهای غرب آسیا گفت: امروز عملا این اتفاق در حال رخ دادن است که در صورت حمله به ایران، گستره آن خارج از محدوده غرب آسیا و خاورمیانه توسعه پیدا خواهد کرد و این نشان می‌دهد که هزینه حمله به ایران برای آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها باید بسیار بیشتر از شرایط کنونی باشد.

اعتراف ناتو به انجام ۱۰۰۰ عملیات علیه ایران؛ اروپا هزینه همراهی با آمریکا را می‌پردازد

وی با اشاره به اعترافات مقامات ارشد غربی افزود: نکته سوم، اعترافی است که دبیرکل ناتو، آقای روته، داشت مبنی بر اینکه هزار عملیات علیه ایران در جریان جنگ رمضان اتفاق افتاد و به نوعی اروپایی‌ها برای ایالات متحده در حمله به ایران خوش‌رقصی کردند. امروز ایران این پیام را به اروپایی‌ها مخابره می‌کند که در صورتی که آن‌ها بخواهند عملیاتی فراتر از تحرکات مستقیم آمریکا علیه ایران انجام دهند، جمهوری اسلامی این توان را دارد که پاسخ کوبنده‌ای به آن‌ها بدهد و حجم آتش را به سمت آن‌ها افزایش دهد تا آن‌ها نیز این هزینه‌ها را پرداخت کنند.

این کارشناس مسائل بین‌الملل در پایان تاکید کرد: بنابراین اینکه رفع محدودیت‌ها بدون محدودیت زمانی اعلام شد، به این معناست که کشورهای اروپایی نیز نباید به فکر طراحی حمله دیگری علیه ایران و منافع جمهوری اسلامی باشند؛ چرا که ایران از این پس از بازدارندگی و قدرت پاسخگویی متقابل در سطحی فراتر برخوردار است.

برای پاسخ به آمریکا حتی خارج از غرب آسیا آمادگی داریم

امیر سرتیپ محمد اکرمی‌نیا، سخنگوی ارتش جمهوری اسلامی ایران با تشریح ابعاد راهبردی دیدار فرماندهان ارشد نیروهای مسلح با فرمانده معظم کل قوا، از تقویت آمادگی عملیاتی، به‌روزرسانی بانک اهداف دشمن و توسعه ظرفیت‌های دفاعی و تهاجمی نیروهای مسلح خبر داد گفت: جمهوری اسلامی ایران برای پاسخ به هرگونه تهدید احتمالی، از آمادگی بالاتری نسبت به آغاز جنگ 40روزه برخوردار است.

وی با اشاره به تأکید فرمانده معظم کل قوا بر «آمادگی رزمی هوشمندانه» افزود: این رویکرد یکی از محورهای اساسی راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران است و نیروهای مسلح توانسته‌اند با بهره‌گیری از جنگ نامتقارن و ناهمتراز، بخشی از فاصله تجهیزاتی خود با دشمن را از طریق هوشمندی عملیاتی و به‌کارگیری تاکتیک‌های متناسب جبران کنند.

سخنگوی ارتش با بیان اینکه تجربه جنگ اخیر نشان‌دهنده اهمیت آمادگی رزمی هوشمندانه است، اظهار کرد: نیروهای مسلح با اتکا به توانمندی‌های عملیاتی، تدابیر فرماندهی و پشتیبانی مردم توانستند جنگ را مدیریت کنند و دشمن پس از نزدیک به 40 روز ناچار به اعلام آتش‌بس شد. این تجربیات اکنون مبنای ارتقای توان رزمی و آمادگی برای مواجهه با تهدیدات احتمالی آینده قرار گرفته است.

امیر سرتیپ اکرمی‌نیا با اشاره به تأکید فرمانده معظم کل قوا بر پاسخ بدون محدودیت جغرافیایی بیان کرد: در جنگ اخیر، گستره درگیری از سرزمین‌های اشغالی تا پایگاه‌های آمریکا در کشورهای منطقه امتداد داشت، اما در صورت وقوع تجاوز مجدد، جغرافیای جنگ می‌تواند به مناطقی فراتر از غرب آسیا گسترش پیدا کند.

وی تأکید کرد: نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در چارچوب دستورات ابلاغی، به‌روزرسانی بانک اهداف را با هدف قرار دادن انواع دارایی‌های مادی و غیرمادی دشمن آمریکایی ـ صهیونیستی، دنبال می‌کنند و در صورت آغاز ماجراجویی جدید، تأسیسات، تجهیزات، نیروها و منافع آمریکا در هر نقطه‌ای که در دسترس باشند، می‌توانند هدف پاسخ قرار گیرند.

سخنگوی ارتش با اشاره به پیام منتشرشده خود در این زمینه خاطرنشان کرد: جنگ آینده جغرافیای وسیع‌تری خواهد داشت و این موضوع یک رویکرد جدی در مجموعه نیروهای مسلح است و دشمن نباید تصور کند دامنه پاسخ جمهوری اسلامی ایران الزاماً به محدوده جغرافیایی درگیری‌های گذشته محدود خواهد ماند.

امیر سرتیپ اکرمی‌نیا همچنین با تاکید بر ضرورت پاسخ فوری به هرگونه تجاوز خاطرنشان کرد: تجربه آغاز جنگ در نهم اسفند نشان داد که نیروهای مسلح از آمادگی لازم برای واکنش سریع برخوردار بوده‌اند و اکنون نیز با استفاده از تجربیات عملیاتی و تقویت سازمان رزم، در سطح بالاتری از آمادگی قرار دارند.

وی درباره شرایط پایان جنگ احتمالی آینده تصریح کرد: رئیس‌جمهور آمریکا پیش از جنگ 40روزه تصور می‌کرد می‌تواند یک درگیری کوتاه و برق‌آسا را آغاز کند و سپس به‌صورت یک‌جانبه پایان آن را اعلام کند، اما تحولات جنگ نشان داد که مدیریت و پایان درگیری صرفاً تابع اراده واشنگتن نخواهد بود.

سخنگوی ارتش هشدار داد: در صورت وقوع تجاوز جدید، جنگ احتمالی آینده می‌تواند به‌مراتب طولانی‌تر از جنگ گذشته باشد و رئیس‌جمهور آمریکا قادر نخواهد بود زمان و شرایط پایان آن را به‌تنهایی تعیین کند. مردم آمریکا



و متحدان اروپایی این کشور نیز باید بدانند که ابتکار عمل جمهوری اسلامی ایران در تعیین سرنوشت چنین درگیری‌ای نقش اساسی خواهد داشت.

امیر سرتیپ اکرمی‌نیا در ادامه، تعمیق دفاع بومی و به‌روزرسانی دکترین و تاکتیک‌های نظامی را از دیگر محورهای مورد تأکید فرمانده معظم کل قوا عنوان کرد و گفت: روند تغییر دکترین جمهوری اسلامی ایران از رویکرد صرفاً تدافعی به سمت رویکرد تهاجمی از گذشته آغاز شده و در جنگ اخیر نیز نمود عملی پیدا کرده است.



متغیری کمتر دیده‌شده در جنگ‌های طولانی

جنگی که از ۹ اسفند ۱۴۰۴ با حملات مشترک آمریکا و رژیم اشغالگر قدس علیه ایران آغاز شد، فقط یک رویارویی نظامی نبود؛ آزمونی برای یک فرض راهبردی نیز بود: آیا می‌توان با وارد کردن ضربه‌ای سنگین به زیرساخت‌های نظامی، موشکی و هسته‌ای ایران، ظرفیت قدرت این کشور را برای مدت طولانی از میان برد؟ اهداف اعلام‌شده واشنگتن در مقاطع مختلف شامل محدود کردن برنامه هسته‌ای، ضربه به توان موشکی و تضعیف زیرساخت‌های تولیدی ایران بود. با گذشت ماه‌ها، اما استمرار درگیری و ادامه توان ایران برای پاسخ نشان داد که میان وارد کردن خسارت و از میان بردن یک ظرفیت راهبردی فاصله وجود دارد. رویترز در ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ نیز گزارش کرد که جنگ پس از بیش از شش ماه همچنان ادامه دارد و اهدافی که دولت آمریکا برای آن اعلام کرده بود به‌طور کامل محقق نشده است. بنابراین سؤال اصلی دیگر فقط این نیست که چه چیزی در ایران منهدم شد؛ سؤال مهم‌تر این است که چه مقدار از آنچه آسیب دید، دوباره به چرخه قدرت بازگشت و چه مقدار از ظرفیت لازم برای بازسازی همچنان باقی ماند.

تفاوت میان موجودی قدرت و ظرفیت قدرت

در جنگ‌های کلاسیک، قدرت را اغلب با موجودی می‌سنجیدند: تعداد موشک، هواپیما، پهپاد، ناو، سامانه پدافندی یا حجم مهمات. این معیار هنوز مهم است، اما برای جنگ طولانی کافی نیست. یک کشور ممکن است در روز نخست ذخیره بزرگی داشته باشد، اما اگر نتواند تجهیزات مصرف‌شده یا منهدم‌شده را جایگزین کند، با ادامه درگیری به‌تدریج از ظرفیت عملیاتی خود فاصله می‌گیرد. در مقابل، کشوری که بتواند تولید، تعمیر، تأمین و سازمان‌دهی مجدد را در شرایط فشار ادامه دهد، فقط از موجودی خود استفاده نمی‌کند؛ در حال تولید دوباره قدرت است. این همان متغیری است که می‌توان آن را «ظرفیت بازتولید قدرت» نامید.در جنگ فرسایشی، بنابراین مسئله فقط اندازه خسارت نیست؛ نسبت میان سرعت فرسایش و سرعت بازگشت توان اهمیت پیدا می‌کند. اگر تخریب سریع‌تر از جایگزینی باشد، فرسایش به کاهش پایدار ظرفیت منجر می‌شود؛ اما اگر چرخه بازسازی فعال بماند، همان ضربه لزوماً اثر راهبردی مورد انتظار مهاجم را ایجاد نمی‌کند.

ایران؛ محصول چهار دهه فشار

اهمیت این نظریه برای ایران از سابقه چند دهه‌ای کشور در مواجهه با تحریم، محدودیت فناوری و فشار خارجی آغاز می‌شود. ایران طی این سال‌ها فقط به انبار کردن تجهیزات متکی نبوده و توسعه دانش فنی، نیروی متخصص، صنایع داخلی و مسیرهای جایگزین تأمین نیز بخشی از روند دفاعی کشور بوده است. این ادعا را می‌توان در اظهارات رسمی فرماندهان نظامی نیز دید. سرلشکر علی عبداللهی، رئیس ستادکل نیروهای مسلح و فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا، در ۱۰ شهریور ۱۴۰۵ بر «اتکا به توان داخلی و جوانان نخبه» برای ارتقای توان رزمی و تداوم بازدارندگی تأکید کرد و بومی‌سازی و هوشمندسازی سامانه‌ها را در کنار تربیت نیروی انسانی و شبکه‌سازی دفاعی قرار داد.این اظهارات به‌تنهایی اثبات‌کننده میزان دقیق ظرفیت تولید ایران نیست؛ اما یک واقعیت مهم را درباره منطق دفاعی کشور نشان می‌دهد: توان دفاعی به‌عنوان یک موجودی ثابت تعریف نمی‌شود، بلکه به‌عنوان ظرفیتی که باید استمرار پیدا کند دیده می‌شود.محسن رضایی نیز در دی ۱۴۰۴، پیش از آغاز جنگ جاری، تأکید کرده بود که توان موشکی و دفاعی ایران نه قابل مذاکره، نه قابل توقف و نه قابل مهار است و در صورت ماجراجویی جدید، توان پاسخ نیروهای مسلح متفاوت از گذشته خواهد بود. این سخن را اگر کنار آنچه در ماه‌های بعد رخ داده قرار دهیم، اهمیت دیگری پیدا می‌کند: آزمون واقعی هر ادعای بازدارندگی، زمانی آغاز می‌شود که بخشی از ظرفیت موجود هدف قرار گرفته باشد.

کارخانه، بخشی از میدان نبرد است

از اینجا کارخانه دیگر پشت جبهه نیست. خط تولید موشک و پهپاد، مرکز تعمیر، ماشین‌آلات دقیق، مواد اولیه، آزمایشگاه، نرم‌افزار، نیروی متخصص و شبکه تأمین، همه بخشی از همان قدرتی هستند که در میدان نبرد دیده نمی‌شوند اما نتیجه جنگ به آنها وابسته است. به همین دلیل، ضربه به یک کارخانه زمانی تعیین‌کننده است که بتواند چرخه تولید را متوقف کند، نه اینکه فقط بخشی از خروجی آن را کاهش دهد.این همان نکته‌ای است که ارزیابی‌های خارجی نیز به آن رسیده‌اند. مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی آمریکا در خرداد ۱۴۰۵ در گزارشی با عنوان «جلوگیری از بازسازی نظامی ایران» تصریح کرد که میزان کامل خسارت واردشده به توان نظامی ایران روشن نیست و تهران در صورت تداوم ساختار جمهوری اسلامی، برای بازسازی توان نظامی خود اقدام خواهد کرد. این گزارش حتی مسیرهای تأمین مواد اولیه، تجهیزات تولید و اقلام دوکاربردی را بخشی از مسئله بازسازی می‌داند. فارن‌پالیسی نیز در ۲۶ شهریور ۱۴۰۵ نوشت که ارزیابی‌های اطلاعاتی برخلاف برخی ادعاهای اولیه دولت آمریکا، از ادامه توان موشکی ایران و ازسرگیری تولید موشک‌های بالستیک در تأسیسات زیرزمینی حکایت دارد. اهمیت این گزارش‌ها در تأیید همه ادعاهای ایران نیست؛ در این است که موضوع بازسازی ظرفیت ایران، حتی در محاسبات بیرونی نیز به مسئله‌ای مستقل از میزان خسارت اولیه تبدیل شده است.

آمریکا نیز با مسئله بازتولید روبه‌رو شد

این قاعده البته فقط درباره ایران صدق نمی‌کند. آمریکا از بزرگ‌ترین ظرفیت‌های صنعتی و فناوری دفاعی جهان برخوردار است، اما جنگ طولانی حتی برای چنین قدرتی فاصله میان مصرف و جایگزینی را آشکار می‌کند. برآوردهای رسمی آمریکا نشان می‌دهد هزینه جنگ به دهها میلیارد دلار رسیده و بخش بزرگی از آن به مصرف مهمات و تجهیزات مربوط است.

اندیشه استاد شهید مصباح‌الهدی باقری

آیین اختتامیه هشتمین نمایشگاه «قرار هشتم» مرکز رشد دانشگاه امام صادق(ع)، با حضور جمعی از اندیشمندان، نخبگان دانشگاهی و مسئولان فرهنگی در تالار آیت‌الله مهدوی کنی برگزار شد. در این مراسم که با حضور چهره‌هایی نظیر دکتر حمید ایزدبخش، حجت‌الاسلام والمسلمین محسن قنبریان، حجت‌الاسلام والمسلمین قمی، دکتر شهاب اسفندیاری، دکتر ساسان زارع و دکتر سعید نریمان همراه بود، ابعاد پنهان و ظرفیت‌های راهبردی الگوی اندیشه‌ورزی و مدیریت نهادی استاد شهید دکتر مصباح‌الهدی باقری کنی مورد واکاوی تفصیلی قرار گرفت و در پایان از پیام ویژه و تقدیر رهبر شهید انقلاب از فعالیت‌های این مجموعه رونمایی شد.



حیات فکری در کالبد یک جریان اندیشه‌محور

در ابتدای این آیین، حمید ایزدبخش، مدیر مرکز رشد دانشگاه امام صادق(ع)، با گرامیداشت یاد و خاطره استاد شهید دکتر باقری، به تبیین جایگاه بی‌بدیل ایشان در معماری این نهاد علمی پرداخت. وی ضمن اشاره به سنگینی فقدان این استاد شهید اظهار کرد: فقدان یک عالم برجسته، هرگز در حد از دست دادن یک فرد تقلیل نمی‌یابد، بلکه به معنای از دست دادن یک جهان است؛ جهانی که از اندیشه، تجربه، تدبیر، محبت، تربیت و امید سرشار بود.ایزدبخش با بیان اینکه استاد شهید برای مرکز رشد تنها در قامت یک مدیر، معلم یا راهبر خلاصه نمی‌شد، افزود: او در حقیقت جان مرکز رشد بود؛ شخصیتی که یاران این مجموعه را با رشته‌های محبت و دغدغه‌مندی به یکدیگر پیوند می‌داد، همواره افق‌های تازه و بدیعی را پیش روی مجموعه می‌گشود، ظرفیت‌های نهفته در افراد را به میدان عمل می‌آورد و با مهارتی کم‌نظیر، از دل ارتباط عمیق میان انسان‌ها، جریان قدرتمند حل مسئله را شکل می‌داد.مدیر مرکز رشد دانشگاه امام صادق(ع) در ادامه، دستاوردهای ارائه‌شده در هشتمین نمایشگاه «قرار رشد» را مورد تحلیل قرار داد و تصریح کرد: آنچه در پایان این رویداد ارزشمند و پربار مشاهده کردیم، صرفاً یک گزارش کارنامه‌ای از چند فعالیت پژوهشی و دستاورد علمی نبود، بلکه نشانه‌ها و تجلیاتی از تداوم یک حیات فکری و تربیتی بود که استاد شهید با مجاهدت‌های خود در وجود انسان‌ها و کالبد یک جریان اندیشه‌محور دمیده بود. وی با تأکید بر اینکه تداوم این فعالیت‌ها هرگز به معنای جبران فقدان استاد نیست، خاطرنشان کرد: در کنار امیدی که این دستاوردها در دل‌ها ایجاد می‌کند، نباید حقیقت فقدان او را فراموش کنیم. جای این استاد بزرگ پرشدنی نیست؛ نه با تعدد دستاوردها، نه با توسعه کمّی فعالیت‌ها و نه حتی با ادامه دادنِ تمام آنچه خود او از پایه بنا نهاده بود.ایزدبخش ادامه داد: قرار نیست و اساساً نمی‌توانیم جای او را پر کنیم؛ بلکه رسالت ما آن است که نگذاریم راه او متوقف شود. این شکاف و فقدان بزرگ همواره باقی است، اما نباید به ایستایی و توقف بینجامد. فقدان او اگرچه جبران‌ناپذیر است، اما بار مسئولیت ما را برای استمرار این مسیر سنگین‌تر از گذشته می‌کند.

ضرورت تبدیل تجربه 13 ساله به جریانی زنده و اثرگذار

مدیر مرکز رشد با مرور 13 سال تلاش مداوم و مجاهدت خاموش اما مؤثر استاد شهید در این مجموعه برای تحقق منطق رشد، بیان داشت: امروز خطیرترین وظیفه ما این است که این منطق بنیادین را از یک تجربه ارزشمند تاریخی، به جریانی زنده، بالنده و اثرگذار برای آینده انقلاب اسلامی تبدیل کنیم. به گفته وی، هر دستاوردی که در غرفه‌های این نمایشگاه عرضه شده است، بیش از آنکه نقطه پایان یک تلاش پروژه‌ای باشد، باید نقطه آغاز تعهدی تازه و گشودن راهی جدید تلقی شود؛ تعهدی عمیق برای تداوم سنت معلمی و مربی‌گری، پیوند دادن قلوب و افکار انسان‌ها، گشودن افق‌های جدید حکمرانی و فعال‌سازی ظرفیت‌های نهفته جوانان.ایزدبخش با تأکید بر لزوم صیانت از مبانی اخلاقی و تربیتی در تمامی شئون فعالیت‌های مرکز رشد افزود: مهم‌تر از هر دستاورد علمی، این است که اخلاق، اخلاص و روحیه مجاهدت را در متن کارها و زندگی شخصی و سازمانی خود زنده نگه داریم؛ چرا که تداوم مسیر استاد، تنها با حفظ و کپی‌برداری از فعالیت‌های ظاهری محقق نمی‌شود، بلکه نیازمند استمرار بخشیدن به روح، انگیزه و منطق حاکم بر آن مسیر است. وی بزرگداشت حقیقی استاد شهید را در امتداد مأموریت ناتمام او دانست و گفت: بزرگداشت واقعی استاد تنها در یادآوری عظمت و بزرگی شخصیت او خلاصه نمی‌شود، بلکه در ادامه دادن مأموریتی است که او تمام عمرِ پربرکت خود را برای آن صرف کرد.وی در بخش دیگری از سخنان خود با بهره‌گیری از تمثیلی لطیف اظهار کرد: اگر امروز نمی‌توانیم آن مصباح و خورشید فروزان را دوباره در میان خود داشته باشیم، می‌توانیم هرکدام چراغی از روشنایی او باشیم. شاید این چراغ‌های کوچک به‌تنهایی فروغ و درخشش آن مصباح را نداشته باشند، اما قطعاً در کنار یکدیگر می‌توانند مسیری جدید را در تاریکی‌ها بگشایند. ایزدبخش همچنین ضمن قدردانی از خانواده استاد، یاران مرکز، مجموعه دانشگاه امام صادق(ع) و مهمانان، به حضور پررنگ «مرکز رشد بانوان» در برنامه امسال اشاره کرد و گفت: امسال برای نخستین بار میزبان مرکز رشد بانوان بودیم و این مجموعه نیز تجربه‌ای تازه و ارزشمند را در این مسیر پشت سر گذاشت که قطعاً با دشواری‌ها و چالش‌هایی همراه بوده است. وی در پایان با تقدیر ویژه از یارانی که طی هشت ماه گذشته در نبود استاد و با وجود محدودیت امکانات برای استمرار فعالیت‌ها در کنار یکدیگر ماندند، تأکید کرد که میراث استاد در میان ما زنده است و مسئولیت امروز، امتداد بخشیدن به راهی است که او برای رشد انسان‌ها و حل مسائل پیچیده کشور بنا نهاد.

الگوی پیوند تربیت انسان و حل مسائل انقلاب اسلامی

در بخش دیگری از این آیین، حجت‌الاسلام والمسلمین محسن قنبریان، استاد حوزه و دانشگاه، با تبیین هندسه فکری و الگوی تربیتی استاد شهید مصباح‌الهدی باقری کنی، مرکز رشد را نمونه‌ای بی‌نظیر از پیوند میان رشد فردی، مأموریت‌محوری و شکل‌گیری نهادهای انسانی معرفی کرد. وی با یادآوری تجربه مواجهه انتقادی خود با این مجموعه در سال‌های فعالیتِ عدالت‌خواهانه اظهار کرد: آشنایی من با این مرکز از مصاحبه‌های تخصصی و انتقادی آغاز شد، اما به‌تدریج با درک ابعاد پنهان آن، مهربانی، وسعت دید و نگاه عمیق تربیتی استاد شهید را از نزدیک احساس کردم. قنبریان با بیان اینکه هیچ انسانی رشد نمی‌کند مگر آنکه در برابر فضیلت‌های دیگران اهل اقرار باشد، افزود: هنر بزرگ استاد شهید در این مجموعه، ایجاد وحدت و هم‌افزایی میان فرآیند «رشد و تربیت انسان» و فرایند «حل مسائل انقلاب اسلامی» بود؛ پیوندی مبارک که اجازه نمی‌دهد تربیت فردی در انزوا، و تلاش برای حل مسائل سیاسی و اجتماعی در فضای عاری از معنویت، به دو مسیر جداگانه و متضاد تبدیل شوند.این استاد حوزه و دانشگاه تصریح کرد: بسیاری از افراد و ساختارها، یا منحصراً به رشد شخصی توجه دارند یا منحصراً به حل مسائل کلان جامعه؛ اما هنر مرکز رشد در ایجاد وحدت میان این دو ساحت است. از همین نقطه تلاقی است که واژه «مأموریت» در این تشکیلات معنا پیدا می‌کند.

جان لاک اگر امروز بود چه می‌کرد؟

صبح، پیش از آنکه از خانه بیرون برویم، به چند چیز رضایت می‌دهیم: شرایط استفاده از یک برنامه را می‌پذیریم، اجازه دسترسی به موقعیت مکانی‌مان را صادر می‌کنیم و در برابر تصمیم‌هایی که بر کار و زندگی‌مان اثر می‌گذارند، گزینه «موافقم» را می‌فشاریم. اغلب نه متن را خوانده‌ایم، نه راهی واقعی برای مخالفت داشته‌ایم. بااین‌همه، همه‌چیز به نام رضایت ثبت می‌شود. اگر جان لاک، فیلسوف انگلیسی که 28 اکتبر 1704 درگذشت، امروز میان ما بود، شاید پیش از هر چیز سراغ همین دکمه می‌رفت. نه از آن رو که درباره تلفن همراه چیزی می‌دانست، بلکه چون یکی از پرسش‌های اصلی فلسفه سیاسی‌اش هنوز زنده است: چه زمانی می‌توان گفت انسانی به قدرتِ دیگری بر زندگی خود رضایت داده است؟ لاک را معمولاً با چند واژه به یاد می‌آورند: آزادی، مالکیت، مدارا و حکومتِ مبتنی بر رضایت. این واژه‌ها چنان در زبان سیاسی ما جا افتاده‌اند که گویی همیشه بدیهی بوده‌اند. اما در زمانه او بدیهی نبود که فرمانروا برای حکومت‌کردن به توجیهی نزد مردم نیاز داشته باشد. لاک با همین پرسش به میدان آمد: چرا کسی حق دارد بر دیگری فرمان براند؟ پاسخ او این نبود که قدرت، خودبه‌خود حق می‌آورد، یا آنکه نسبِ پادشاهی برای اطاعت‌خواستن کافی است. حکومت، در نظر او، برای پاسداری از حقوق مردم پدید می‌آید؛ اگر از این مقصود دور شود، نمی‌تواند صرفاً با تکیه بر نام و نشان خود مطالبه وفاداری کند.

فاصله ما با قرن هفدهم بسیار است، اما صورت مسئله چندان عوض نشده است. قدرت، تجلیات مختلفی دارد: گاه در قانون ظاهر می‌شود، گاه در بازار، گاه در نهادی که اطلاعات ما را گرد می‌آورد. خواندن لاک در سالروز درگذشتش، به همین دلیل، مرور زندگانی یک مردِ متعلق به گذشته نیست؛ آزمودن زبان سیاسی خودمان است.در اندیشه لاک، انسان‌ها برای رهایی از ناامنیِ وضع طبیعی، جامعه سیاسی تشکیل می‌دهند و به حکومت اختیار می‌سپارند. این اختیار امانتی بی‌حدومرز نیست. مردم قرار نیست برای حفظ جان و آزادی و دارایی‌شان، اختیار نابودی همان‌ها را واگذار کنند. دولت مشروع است چون خدمتی معین بر عهده گرفته، نه چون توانسته است اطاعت بگیرد.اما دشواری از همان‌جا آغاز می‌شود که می‌پرسیم رضایت چگونه ابراز می‌شود. لاک میان رضایت آشکار و رضایت ضمنی فرق می‌گذارد. به نظر او، بهره‌بردن از امکانات و قلمرو یک حکومت می‌تواند، در شرایطی، نشانه پذیرش قواعد آن باشد. همین بخش از استدلالش بارها محل اعتراض بوده است: اگر کسی امکان رفتن ندارد، آیا ماندنش را می‌توان موافقت نامید؟ اگر برای کارکردن، ارتباط‌داشتن یا درس‌خواندن ناچار است از خدمتی استفاده کند، فشردن دکمه «می‌پذیرم» چه اندازه آزادانه است؟این پرسش، امروز از کتاب فلسفه بیرون آمده و وارد زندگی روزمره شده است. قراردادهای طولانیِ خدمات دیجیتال را پیش روی ما می‌گذارند؛ انتخاب ظاهراً با ماست، اما هزینه نپذیرفتن گاه حذف‌شدن از بخشی از زندگی اجتماعی است. این به معنای یکسان‌بودن دولت و یک شرکت فناوری نیست.

معنایش آن است که واژه «رضایت» را نباید با یک حرکت انگشت اشتباه گرفت.

رضایت وقتی معنا دارد که انسان بداند با چه چیزی روبه‌روست، بتواند مخالفت کند و برای مخالفت‌کردن مجازاتِ نامتناسب نپردازد. این‌ها عباراتی نیستند که لاک درباره جهان دیجیتال نوشته باشد؛ پرسش‌هایی‌اند که میراث او در برابر جهان دیجیتال می‌گذارد. هرچه قدرت پیچیده‌تر و نامرئی‌تر شود، آسان‌تر می‌تواند فرمان‌بری را رضایت بنامد. میراث لاک از ما می‌خواهد پشت این نام‌گذاری را ببینیم.

دولت برای چه کاری به وجود آمده است؟

لاک از حق حیات، آزادی و دارایی سخن می‌گفت. در روایت‌های شتاب‌زده، این سخن گاهی به دفاعی ساده از مالکیت خصوصی فروکاسته می‌شود. حال آنکه نکته سیاسی مهم‌تر در جهتِ رابطه است: حقوق مردم برای حکومت به وجود نیامده‌اند؛ حکومت برای پاسداری از حقوق مردم به وجود آمده است. این جابه‌جایی کوچک در جمله، پیامد بزرگی دارد. اگر حکومت وسیله است، باید بتوان کارنامه‌اش را سنجید. اگر قدرت امانت است، صاحب امانت حق پرسش دارد. اگر قانون برای جلوگیری از خودسری وضع شده، خودِ قانون نباید به پوششی برای خودسری بدل شود. لاک از فرمانروایی سخن می‌گوید که در چارچوب قانون و برای خیر عمومی عمل کند، نه به اتکای اراده شخصی.

امروز نیز می‌توان این معیار را به زبان پرسش‌های ملموس ترجمه کرد: آیا شهروند می‌داند تصمیمی که بر زندگی او اثر گذاشته چگونه اتخاذ شده است؟ آیا راهی برای اعتراض دارد؟ آیا قواعد بر همگان یکسان اعمال می‌شوند؟ آیا آن‌که قدرت تصمیم‌گیری دارد، موظف است درباره آن توضیح دهد؟در بسیاری از عرصه‌ها، مسئله دیگر فقط صدور فرمان نیست. ممکن است فردی وام نگیرد، فرصتی شغلی را از دست بدهد یا دسترسی‌اش به خدمتی محدود شود، بی‌آنکه با تصمیم‌گیرنده‌ای روبه‌رو شود. فناوری شکل اعمال قدرت را تغییر داده، اما ضرورت پاسخ‌گویی را از میان نبرده است. برعکس، هرچه تصمیم‌ها پیچیده‌تر باشند، نیاز به توضیح‌پذیری و امکان اعتراض بیشتر می‌شود. لاک برای همه این مسئله‌ها پاسخ آماده ندارد. ارزش خواندن او در این است که نمی‌گذارد پرسش اصلی فراموش شود: اختیارِ تصمیم‌گرفتن درباره دیگران از کجا آمده و به چه کسی باید پاسخ بدهد؟



اگر قرار است از آزادی انسان پاسداری کند، نمی‌تواند به ابزاری برای بستنِ راه آزادی دیگران تبدیل شود.البته همین‌جا باید در برابر ساده‌سازی دیگری نیز ایستاد. تاریخ اندیشه مالکیت نزد لاک، جدا از تاریخ استعمار خوانده نمی‌شود. استدلالِ «کار» در جهانی شکل گرفت که قدرت‌های اروپایی زمینِ دیگران را به تصرف درمی‌آوردند و گاه شیوه زندگی مردمان بومی را از دایره «بهره‌برداری» بیرون می‌گذاشتند. پس خواندنِ امروزیِ لاک تنها تکرار حق مالکیت نیست؛ پرسیدن از کسانی هم هست که هنگام تعریف این حق، صدایشان شنیده نشد.

مالکیت در جهان جدید

یکی از مشهورترین استدلال‌های لاک درباره مالکیت آن است که انسان با کار خود می‌تواند چیزی را از وضعیت مشترک بیرون آورد و از آنِ خویش کند. اما این استدلال، دست‌کم در صورت‌بندی آغازینش، بی‌قید نیست. لاک از این سخن می‌گوید که باید «به اندازه کافی و به‌همان خوبی» برای دیگران باقی بماند. اینکه این شرط دقیقاً تا کجا پیش می‌رود، میان مفسران محل اختلاف است؛ ولی خودِ پرسش را نمی‌توان کنار زد. برای انسان امروز، این شرط طنینی تازه دارد. اگر بهره‌برداریِ نسل حاضر، آب و خاک و هوای قابل‌زیست را برای نسل بعد تنگ کند، چه چیزی «برای دیگران» باقی مانده است؟ اگر ارزشِ انباشته‌شده در یک سامانه اقتصادی بر کار و داده میلیون‌ها نفر تکیه کند، سهم و اختیار آنان چگونه باید فهمیده شود؟ مالکیت تا کجا حق بهره‌برداری است و از کجا به وظیفه پاسخ‌دادن در برابر دیگران می‌رسد؟

نباید وانمود کرد که لاک نظریه‌ای آماده درباره بحران اقلیم یا اقتصاد داده نوشته است اما از دل بحث او می‌توان پرسشی جدی بیرون کشید: آیا حق تصرف را می‌توان بی‌اعتنا به امکان زندگیِ دیگران توضیح داد؟ مالکیت، از مدارا تا پرهیز از شتاب‌زدگی در قضاوت

امروز، در جامعه‌هایی که اختلاف عقیده، شیوه زندگی و تفسیر جهان به واقعیت هرروزه بدل شده، مدارا همچنان نیرو دارد. مدارا صرفاً فضیلتی برای آدم‌های خوش‌اخلاق نیست؛ شرطِ زندگی مشترک میان کسانی است که قرار نیست درباره همه‌چیز به توافق برسند. جامعه آزاد زمانی سنجیده می‌شود که بتواند برای مخالف نیز جای امنی در چارچوب حقوق برابر فراهم کند.لاک تنها فیلسوف حکومت نبود. در جستاری درباره فهم انسانی، به سراغ خودِ ذهن رفت: چه می‌دانیم، چگونه می‌دانیم و مرز دانستن ما کجاست؟ او با تصورِ داشتنِ اندیشه‌های ذاتی به مخالفت برخاست و برای تجربه در شکل‌گیری شناختِ جایگاهی اساسی قائل شد. مهم‌تر از هر برچسبی چون «تجربه‌گرا»، توجه او به محدودیتِ فهم انسان بود.این وجه از اندیشه‌اش برای روزگار ما شاید به‌اندازه فلسفه سیاسی‌اش ضروری باشد. در محیطی که خبر، تفسیر و داوری با شتابی سرسام‌آور منتشر می‌شود، اعلام قطعیت، آسان‌تر از سنجیدن دلیل است. بسیاری از ما پیش از آنکه بپرسیم «چه می‌دانم؟»، موضع خود را اعلام می‌کنیم؛ بعد به دنبال شاهدی می‌گردیم که آن موضع را تأیید کند.

فروتنی معرفتی به معنای بی‌تصمیمیِ همیشگی نیست.

زندگی جمعی حتی وقتی همه داده‌ها در دسترس نیست، به تصمیم نیاز دارد. معنایش این است که میان دانستن، گمان‌کردن و امیدواربودن فرق بگذاریم؛ برای ادعای خود به اندازه قوتِ شواهد اعتبار قائل شویم و راه بازنگری را نبندیم. در سیاست نیز چنین فروتنی‌ای فضیلتی شخصی صرف نیست. نهادی که احتمال خطای خود را می‌پذیرد، برای اصلاحِ تصمیم‌هایش سازوکار می‌سازد.



هشت ماه دفاع مقدس در خیابان

برنامه تلویزیونی جریان با موضوع هشت ماه دفاع مقدس مردم مبعوث در خیابان با حضور میثم مهدیار و حسین میرزایی، اعضای هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی برگزار شد.

کارشناسان این برنامه با اشاره به تداوم حضور مردم در میدان‌ها و خیابان‌ها، این پدیده را از منظر فرهنگ ملی و دینی، تجربه تاریخی ایران، نقش نهادهای اجتماعی و تأثیر مشارکت مردمی بر امنیت و توسعه کشور بررسی کردند.حسین میرزایی در ابتدای این گفت‌وگو با اشاره به استمرار حضور مردم در خیابان اظهار داشت: واقعاً در دوره‌ای عجیب تاریخی زندگی می‌کنیم، به طوری که می‌توان این رخداد را بی‌سابقه‌ترین حمایت از یک دولت‌ملت توصیف کرد. چرا که بررسی تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که در نمونه‌هایی مانند کودتای سال 2016 ترکیه، حضور مردم در حمایت از حکومت حدود سه هفته ادامه داشت؛ اما آنچه در ایران اتفاق افتاده، از نظر مدت‌زمان و ماهیت حضور مردم، ویژگی‌های متفاوتی دارد.

میرزایی خاطرنشان کرد: سال‌ها این تصور از سوی برخی رسانه‌های بیگانه مطرح می‌شد که حامیان نظام و حکمرانی در ایران اقلیتی هستند که دیدگاه خود را بر جامعه تحمیل می‌کنند، درحالی‌که حضور مستمر مردم در سراسر کشور، پشتوانه اجتماعی نظام را به شکلی متفاوت نشان داده است. این جریان از ابتدا به‌صورت خودجوش شکل گرفت و مردم بدون دستور نهادهای رسمی به میدان آمدند. حتی در مقاطعی ممکن بود برخی ترجیح دهند مردم در مکان‌های محدودتر حضور داشته باشند، اما مردم به حضور خود ادامه دادند.در ادامه برنامه، میرزایی با اشاره به نقش مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی گفت: حضور مردم در خیابان‌های ایران را نباید پدیده‌ای عادی تلقی کرد، زیرا در بسیاری از کشورهای جهان، جمع‌کردن مردم برای مشارکت مستمر در یک حرکت سیاسی دشوار است.وی افزود: مردم ایران انقلاب را به وجود آوردند و اکنون نیز خود را در قبال دستاوردهای آن مسئول می‌دانند. از این منظر، حضور خیابانی را می‌توان نوعی حراست از دستاوردهای انقلاب دانست. از این رو، حضور نسل‌های جدید در میدان‌ها نشان می‌دهد که انتقال ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب میان نسل‌ها همچنان موضوعی مهم است. به گفته وی، خودجوش‌بودن این اجتماعات و مشارکت نسل جوان در آماده‌سازی برنامه‌ها و استمرار آن‌ها، از ابعاد قابل‌توجه این پدیده است.میرزایی با تأکید بر نقش مردم در فضای سیاسی کشور افزود: حضور مستمر مردم در میدان‌ها موجب شده است که تصمیم‌ها و موضع‌گیری‌های سیاسی با حساسیت بیشتری از سوی جامعه دنبال شود، و مردم در بسیاری از مقاطع، تشخیص خود را درباره ضرورت حضور در خیابان نشان داده‌اند.وی با اشاره به حضور مردم در شرایط جنگی اظهار داشت: در شرایطی که مناطق نظامی، مسکونی و حتی برخی محل‌های تجمع در معرض حمله قرار داشتند، مردم همچنان در میدان‌ها حاضر شدند. این رفتار نشان می‌دهد که برای بسیاری از شرکت‌کنندگان، خیابان نه محلی ناامن برای دوری‌کردن، بلکه فضایی برای دفاع از کشور و همراهی با دیگر مردم تلقی می‌شد.

این عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی با اشاره به حضور زنان در تجمعات خاطرنشان کرد: زنان در بسیاری از موارد پیشگام حضور بودند و حتی با فرزندان خود در میدان‌ها شرکت می‌کردند. چنین مشارکتی را نمی‌توان صرفاً با محاسبات فردی و دوری از خطر توضیح داد، بلکه ارزش‌های فرهنگی و احساس مسئولیت جمعی نیز در آن نقش دارند.

میثم مهدیار در بخش دیگری از این برنامه، با طرح موضوع نسبت میان امنیت و توسعه اظهار داشت: توسعه به یک نیروی اجتماعی پیشران نیاز دارد؛ نیرویی که به آرمان‌های توسعه متعهد باشد و برای تحقق آن‌ها حاضر به تلاش و فداکاری شود.این عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی با اشاره به انگیزه شرکت‌کنندگان در این تجمعات اظهار داشت: برای بسیاری از حاضران، حضور در خیابان به یک فریضه تبدیل شده است، به‌گونه‌ای که در پاسخ به این پرسش که تا چه زمانی به حضور خود ادامه می‌دهند، آن را به استمرار یک عمل واجب تشبیه می‌کنند.

وی با اشاره به اهمیت تحلیل علمی این پدیده خاطرنشان کرد: بررسی حماسه‌ای که مردم در میدان‌ها آفریده‌اند، نیازمند مفهوم‌پردازی و صورت‌بندی علمی است و می‌تواند پنجره تازه‌ای به روی علوم انسانی و علوم اجتماعی در ایران باز کند. از این رو، هشت ماه حضور مردم در خیابان، با وجود تازگی، پدیده‌ای جدا از ریشه‌های فرهنگی و دینی جامعه ایران نیست، بلکه برای فهم این اتفاق باید به پیشینه تاریخی آن، از هشت سال دفاع مقدس تا انقلاب اسلامی و راهپیمایی‌هایی که به سقوط حکومت پهلوی انجامید، توجه کرد.



گزارش معاریو از انتخاباتی در اسرائیل

روزنامه معاریو با استناد به گزارش‌ها واطلاعات منتشر شده تاکید کرد تا لحظه تهیه این نوشتار می‌توان گفت هیچ یک از اردوگاه‌ها قادر به کسب 61 کرسی برای تشکیل کابینه نیست. در بخش دیگری از این یادداشت آمده است: نکته بسیار تعجب آور و پارادوکسی که در نتایج این انتخابات دیده می‌شود آن است که حزب حاکمی که در دوره‌اش بزرگترین شکست تاریخ اسرائیل رقم خورد، بعد از آن با بی مبالاتی حاضر نشد مسئولیت پذیری خود را نشان بدهد، نمایندگانش به فساد معروف و یکی پس از دیگری محاکمه می‌شوند، دفترش حقوق بگیر قطر است، امروز بزرگترین حزب کنست هم هست.در بخش دیگری از این نوشتار آمده است: ازاین‌رو، عده‌ای گادی آیزنکوت را به‌دلیل تمرکز بر رقابت برای رهبری اردوگاه و کارزار حزب بزرگ سرزنش می‌کنند. عده‌ای دیگر آویگدور لیبرمن و نفتالی بنت را مقصر می‌دانند که پیشاپیش تعهدی به حمایت از او ندادند، یا یائیر گولان را که وقت خود را صرف امور بیهوده کرد،وگرنه چگونه ممکن است رای‌دهندگان لیکود در شهرهایی که جنگ آن‌ها را ویران کرده است، به حزبی رأی بدهند که آن‌ها را رها کرد و به حال خود واگذاشت؟ آیا ممکن است نیروهای ذخیره و خانواده‌های سربازان وظیفه به حزبی رأی بدهند که از هر خلأیی در نهادهای اسرائیل برای دور زدن قانون و پاداش دادن به فراریان از خدمت سربازی سوءاستفاده می‌کند؟روشن است که پیام‌ها به مخاطبان نرسیدند، زیرا رهبران احزاب مخالف با یکدیگر درگیر بودند و نمی‌دانستند چگونه کارزار انتخاباتی را مدیریت و دستور کار آن را تعیین کنند. حتی به نظر می‌رسید بنیامین نتانیاهو و بلندگوهای تبلیغاتی‌اش از این وضعیت بهره‌برداری کرده‌اند؛ ینون مگال، زمانی که گادی آیزنکوت را «میمون» توصیف کرد؛ و خود نتانیاهو، زمانی که تصویری از یک بمب اتمی در آسمان تل‌آویو را در حساب کاربری‌اش در ایکس منتشر کرد

انتخابات میان‌دوره‌ای؛ همه‌پرسی آمریکایی‌ها علیه ترامپ



روزنامه گاردین در گزارشی با اشاره به انتخابات میان‌دوره‌ای 3 نوامبر (12 آبان) نوشت، تصمیم دونالد ترامپ برای گره زدن سرنوشت نامزدهای جمهوری‌خواه به عملکرد شخصی خود، این انتخابات را به همه‌پرسی درباره دوره دوم ریاست‌جمهوری او تبدیل کرده است؛ همه‌پرسی که نظرسنجی‌ها از احتمال شکست سنگین حزب جمهوری‌خواه در آن حکایت دارند.ترامپ که در گردهمایی تابستانی جمهوری‌خواهان از نامزدها خواسته بود تصور کنند نام او نیز در برگه رأی قرار دارد، اکنون با مجموعه‌ای از نارضایتی‌ها روبه‌روست.

افزایش هزینه‌های زندگی، رشد قیمت سوخت و مواد غذایی، جنگ هشت‌ماهه با ایران، تعرفه‌های گسترده تجاری و عمل نکردن به وعده‌های انتخاباتی، بخشی از عواملی هستند که حمایت از رئیس‌جمهور آمریکا را کاهش داده‌اند.

جنگ با ایران، انتخابات کنگره و رؤیای بربادرفته آمریکایی‌ها

گاردین می‌نویسد، علاوه بر فشار اقتصادی، اتهام‌های مربوط به فساد و استفاده شخصی از جایگاه ریاست‌جمهوری نیز به اعتبار ترامپ آسیب زده است.

ساخت تالار 400 میلیون دلاری در کاخ سفید، تخریب بال شرقی این ساختمان و افزایش چشمگیر ثروت شخصی او از جمله موضوعاتی است که انتقادها را تشدید کرده است.براساس نظرسنجی رویترز و ایپسوس، دموکرات‌ها با اختلاف 11 درصدی از جمهوری‌خواهان پیش هستند و میزان محبوبیت ترامپ به 32 درصد رسیده است.در شرایطی که جمهوری‌خواهان اکثریت شکننده‌ای در مجلس نمایندگان دارند، دموکرات‌ها امیدوارند با کسب چهار کرسی خالص، کنترل این مجلس را به دست بگیرند؛ هرچند رقابت برای تصاحب سنا دشوارتر ارزیابی می‌شود.از سوی دیگر، کاهش حمایت رأی‌دهندگان لاتین‌تبار از ترامپ، به‌ویژه در پی سیاست‌های سخت‌گیرانه اخراج مهاجران، موقعیت جمهوری‌خواهان را در ایالت‌های رقابتی تضعیف کرده است.

گاردین در پایان می‌نویسد پیروزی دموکرات‌ها در هر یک از دو مجلس می‌تواند برنامه‌های داخلی ترامپ را متوقف و زمینه تحقیقات گسترده کنگره درباره عملکرد دولت، جنگ ایران و منافع مالی خانواده رئیس‌جمهور را فراهم کند؛ تحولی که همزمان رقابت برای جانشینی ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری 2028 را نیز شتاب خواهد بخشید. انتخابات میان دوره‌ای آمریکا در تاریخ 3 نوامبر برگزار می‌شود. تمام 435 کرسی در مجلس نمایندگان آمریکا و 35 کرسی از 100 کرسی سنا در رأی‌گیری قرار دارند، در حالی که نظرسنجی‌های عمومی نشان می‌دهد دموکرات‌ها کنترل مجلس را دوباره به دست خواهند آورد و شانسی برای بازپس‌گیری سنا نیز خواهند داشت.در حال حاضر جمهوری‌خواهان با در دست داشتن 218 کرسی در برابر 214 کرسی دموکرات‌ها، کنترل کنگره را در اختیار دارند. 53 کرسی سنا نیز در دست جمهوری‌خواهان و 47 کرسی در اختیار دموکرات‌ها است.برای ترامپ، انتخابات پیش رو بسیار فراتر از رقابت بر سر کرسی‌های کنگره است. نتیجه این انتخابات می‌تواند مشخص کند که آیا او در دو سال باقی‌مانده از دوره ریاست‌جمهوری خود قادر خواهد بود برنامه‌هایش را با اتکا به اکثریت جمهوری‌خواه در هر دو مجلس کنگره ادامه دهد یا ناچار خواهد شد با مخالفان دموکراتی روبرو شود که از نفوذ واقعی برای متوقف کردن ابتکارهای او و نظارت بر عملکرد دولت برخوردارند.



شکست ترامپ، شکست جمهوری‌خواهان

شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای ۲۰۲۶ آمریکا را نمی‌توان صرفاً نتیجه نارضایتی مقطعی رأی‌دهندگان یا جابه‌جایی موازنه قدرت در کنگره دانست. این شکست، نشانه آشکار بحران عمیق‌تری در ساختار سیاسی حزب جمهوری‌خواه است؛ حزبی که در سال‌های اخیر، به‌تدریج هویت مستقل، اصول سنتی و قدرت نظارتی خود را در پای وفاداری به دونالد ترامپ قربانی کرده است. اکنون جمهوری‌خواهان با واقعیتی روبه‌رو هستند که سال‌ها از مواجهه با آن پرهیز می‌کردند: حمایت از ترامپ نه‌تنها تضمین‌کننده پیروزی نیست، بلکه می‌تواند به عاملی برای شکست انتخاباتی تبدیل شود.

نتایج انتخابات ۲۰۲۶ نشان داد که هزینه سیاسی عملکرد دولت ترامپ، مستقیماً به حساب حزب جمهوری‌خواه نوشته شده است. دموکرات‌ها توانستند کنترل هر دو مجلس کنگره را به دست آورند، هفت کرسی سنا را جابه‌جا کنند و حتی در حوزه‌هایی پیروز شوند که پیش‌تر از پایگاه‌های نسبتاً مطمئن جمهوری‌خواهان محسوب می‌شدند. این اتفاق در شرایطی رخ داد که جمهوری‌خواهان در دو سال گذشته، هم کاخ سفید و هم اکثریت کنگره را در اختیار داشتند و عملاً امکان اجرای برنامه سیاسی خود را داشتند.

وفاداری به ترامپ؛ هزینه‌ای که حزب پرداخت کرد

یکی از مهم‌ترین دلایل شکست جمهوری‌خواهان، وابستگی بیش از اندازه این حزب به شخص دونالد ترامپ است. در ساختار سیاسی آمریکا، حمایت رئیس‌جمهور از نامزدهای هم‌حزبی می‌تواند در انتخابات درون‌حزبی تعیین‌کننده باشد؛ اما پیروزی در رقابت درون‌حزبی الزاماً به معنای جلب حمایت اکثریت رأی‌دهندگان در انتخابات عمومی نیست. انتخابات اخیر این تناقض را آشکار کرد. برخی نامزدهای جمهوری‌خواه که از حمایت ترامپ برخوردار بودند، نتوانستند در رقابت نهایی پیروز شوند. شکست مایک راجرز در میشیگان در برابر عبدول السید، نامزد دموکرات، نمونه‌ای از همین وضعیت بود. السید با این پیروزی به نخستین سناتور مسلمان تاریخ آمریکا تبدیل شد؛ نتیجه‌ای که علاوه بر اهمیت نمادین، نشان داد حمایت ترامپ دیگر در همه حوزه‌ها قدرت تعیین‌کنندگی گذشته را ندارد.

بر اساس نظرسنجی‌های مورد اشاره در گزارش نیوزویک، شش نفر از هر ۱۰ رأی‌دهنده از عملکرد ترامپ رضایت نداشتند. در چنین شرایطی، جمهوری‌خواهانی که حاضر نبودند فاصله‌ای انتقادی با کاخ سفید ایجاد کنند، عملاً خود را در معرض نارضایتی عمومی قرار دادند.

ترامپ پس از شکست انتخاباتی تلاش کرد مسئولیت نتیجه را از خود دور کند و مدعی شد اگر نامش در برگه‌های رأی قرار داشت، با اختلاف زیادی پیروز می‌شد. این واکنش، خود نشانه‌ای از مشکلی بزرگ‌تر در رهبری جمهوری‌خواهان است: رئیس‌جمهوری که هنگام پیروزی، موفقیت را به نام خود ثبت می‌کند، اما هنگام شکست، حاضر نیست مسئولیت سیاسی آن را بپذیرد.

اقتصاد؛ نقطه ضعف جدی دولت ترامپ

دومین عامل مهم شکست جمهوری‌خواهان، فاصله میان وعده‌های اقتصادی ترامپ و تجربه روزمره شهروندان آمریکایی بود. ترامپ با وعده کاهش هزینه‌های زندگی، تقویت اقتصاد داخلی و بهبود وضعیت معیشتی به قدرت بازگشت؛ اما عملکرد دولت او نتوانست بخش بزرگی از رأی‌دهندگان را متقاعد کند که شرایط اقتصادی بهتر شده است.

بر اساس داده‌های منتشرشده در گزارش نیوزویک، تنها ۱۷ درصد از پاسخ‌دهندگان از عملکرد ترامپ در مدیریت هزینه‌های زندگی رضایت داشتند. همچنین ۶۵ درصد رأی‌دهندگان، سیاست‌های دولت او را در افزایش قیمت‌ها مؤثر می‌دانستند.

سیاست تعرفه‌ای دولت ترامپ نیز به‌جای آنکه بدون هزینه برای مصرف‌کنندگان آمریکایی به تقویت تولید داخلی منجر شود، هزینه واردات را افزایش داد و فشار بیشتری بر قیمت کالاها وارد کرد. در کنار آن، افزایش هزینه انرژی تحت تأثیر رویارویی با ایران، فشار اقتصادی را تشدید کرد. این وضعیت یک تناقض سیاسی مهم را آشکار ساخت: ترامپ با شعار اول آمریکا و دفاع از منافع اقتصادی شهروندان به قدرت رسید، اما بخشی از تصمیمات اقتصادی و سیاست خارجی دولتش، هزینه‌های تازه‌ای را به همان شهروندان تحمیل کرد.

ایران؛ هزینه سیاست خارجی در صندوق رأی

یکی از مهم‌ترین ابعاد شکست جمهوری‌خواهان، تأثیر سیاست خارجی ترامپ، به‌ویژه درگیری با ایران، بر افکار عمومی آمریکا بود. ترامپ تلاش کرده بود سیاست خارجی خود را بر پایه قدرت‌نمایی و نمایش توان نظامی آمریکا پیش ببرد؛ اما تحولات مربوط به ایران نشان داد که چنین رویکردی به دستاورد سیاسی و اقتصادی برای دولت آمریکا منجر نمی‌شود.

بر اساس گزارش نیوزویک، در نظرسنجی‌های انجام‌شده، حدود ۷۰ درصد آمریکایی‌ها معتقد بودند درگیری با ایران ارزش هزینه‌های آن را نداشته است. همچنین در رأی‌گیری ماه سپتامبر درباره توقف این رویارویی، تنها هفت جمهوری‌خواه از طرح حمایت کردند و ۲۰۳ نماینده جمهوری‌خواه با آن مخالفت کردند.

این موضع‌گیری نشان داد که اکثریت جمهوری‌خواهان در کنگره، به‌جای ایفای نقش نظارتی و ارزیابی مستقل هزینه‌های تصمیمات دولت،ترجیح دادند پشت سر رئیس‌جمهور قرار بگیرند. در نتیجه، آنها نیز در مسئولیت سیاسی پیامدهای این سیاست سهیم شدند.

چرا مخالفین اردوغان برای انتخابات در ترکیه عجله دارند؟

این روزها در رسانه‌ها و مطبوعات ترکیه، همزمان با تداوم بحران اقتصادی، احزاب مخالف اردوغان از ضرورت برگزاری انتخابات پیش از موعد حرف می‌زنند. آن هم در شرایطی که هر روز لیست‌های جدیدی از اسامی دستگیرشدگان پرونده بزرگ فساد مالی صندوق‌ها منتشر می‌شود.تاکنون بیش از دویست نفر در این پرونده دستگیر شده‌اند، اما منتقدین می‌گویند: اردوغان و حزب حاکم، اجازه نمی‌دهند که اسامی مظنونین سیاسی پرونده منتشر شوند. چرا که برخی از مهمترین عوامل این فساد مالی بزرگ، از اعضای حزب حاکم هستند.

در تازه‌ترین مورد، دادستان استانبول، دارایی‌های همسر یکی از نمایندگان حزب عدالت و توسعه در پارلمان ترکیه را به ظن دست داشتن در فساد 131 صندوق مالی مصادره کرد. اما او با استفاده از نفوذ سیاسی و تشکیلاتی، تنها پس از 24 ساعت دادستان را وادار به عقب نشینی و لغو حکم کرد.علی باباجان رهبر حزب جهش و دموکراسی که از موسسین نخست حزب عدالت و توسعه بوده و مدتها به عنوان وزیر امور خارجه و وزیر اقتصاد در کابینه اردوغان فعالیت کرده بود و حالا در صف مخالفین جای گرفته، دیروز اعلام کرده که این پرونده، بزرگترین فساد مالی تاریخ جمهوری ترکیه بوده و با احتساب کل ارقام جابجا شده، حیف و میل‌ها، سودهای نامشروع و همچنین خسارات، بیش از یکصد میلیارد دلار به اقتصاد ترکیه خسران وارد شده است. رسانه‌های ترکیه می‌گویند: رسوایی مالی اخیر، باعث شده جایگاه حزب عدالت و توسعه در ترکیه و به ویژه در میان محافظه کاران، به شکل ملموسی آسیب ببیند.



خیابان چه می‌گوید؟

موسسه تحقیقاتی ASAL نتایج نظرسنجی ماه اکتبر خود در مورد دستور کار سیاسی ترکیه را منتشر کرده است. این نظرسنجی که در 28 استان ترکیه با مشارکت 2020 نفر انجام شد، از شرکت‌کنندگان پرسیده که آیا انتخابات عمومی زودهنگام ضروری است یا خیر؟ طبق داده‌ها، درصد کسانی که خواستار انتخابات زودهنگام در ماه اکتبر بودند، افزایش یافته است. نتایج نشان داده که 57.2 درصد از پاسخ دهندگان، خواستار انتخابات زودهنگام هستند.در مقابل، درصد کسانی که مخالف انتخابات زودهنگام بودند در حد 33.5 درصد بوده و 9.3 درصد نیز پاسخی ندارند. گزارش شده که این تحقیق با سطح اطمینان 95 و حاشیه خطای مثبت یا منفی 2.41 انجام شده است.

اوزل به اردوغان تاخت

امروزه در صحنه سیاسی ترکیه، اوزگور اوزل رهبر حزب نو (ینی پارتی) را باید به عنوان مهمترین رهبر اپوزیسیون بنامیم. پس از شکاف در حزب جمهوری خلق، او دست به انشعاب زد و 94 نماینده نیز با او از حزب مزبور بیرون آمدند و حزب نو را تاسیس کردند که حالا پس از آکپارتی، مهمترین حزب سیاسی ترکیه است.ولی حالا نظرسنجی‌ها نشان داده که حزب نو، در انتخابات پیش رو، می‌تواند از آکپارتی هم سبقت بگیرد. اوزگور اوزل رهبر حزب نو دیروز در جمع هوادارانش در شهر بالیکسیر در یک گردهمایی عمومی اعلام کرد زمان انتخابات و تغییر بزرگ در ترکیه فرا رسیده است.

او گفت: «هیچ‌کس حاضر نیست صبوری کند و منتظر پایان قانونی دوران فعالیت دولت فعلی بماند. مردم به سوی هر جایی که می‌توانند صدای خود را به گوش دیگران برسانند، می‌دوند. حالا که گوشه خیابانی حتی قبل از زمان انتخابات به یک تجمع تبدیل شده، پس زمان انتخابات و زمان تغییر فرا رسیده است. ما قطعاً این دولت را تغییر خواهیم داد. ما در مسیر جدیدی برای کشاورزان، روستاییان، دامداران، بازرگانان، کارمندان دولت، بازنشستگان، کارگران، زنان و جوانان خود هستیم. همه ما با هم به سمت قدرت می‌رویم».

کشور ترکیه ، رجب طیب اردوغان ، حزب عدالت و توسعه - آکپارتی ،

اوزگور اوزل که بزرگترین حزب مخالف را بدون بودجه حمایتی دولت تاسیس کرده و تاکنون ده‌ها میلیون دلار برای این حزب هزینه کرده، خطاب به شهروندان گفت: «لیره به لیره در جیب حزب ما پول گذاشتید. برای ما خودرو، اتوبوس، ساختمان و میز و صندلی خریدید. تکیه گاه ما، خود شما مردم شریف ترکیه هستید. زمانیکه ما در حزب جمهوری خلق بودیم، برای اولین بار از زمان تأسیس حزب عدالت و توسعه، بزرگترین شکست را بر اردوغان تحمیل کردیم. حالا نیز گام به گام به سمت قدرت حرکت می‌کنیم».روزنامه جمهوریت چاپ آنکارا به نقل از پروفسور دکتر تامر بولات از دانشگاهیان و متخصصین نظرسنجی میدانی نوشته است: «تأثیر مشکلات اقتصادی، هزینه‌های بالای زندگی و تحولات سیاسی بحرانی بر رفتار رأی‌دهندگان در آخرین نظرسنجی افکار عمومی آشکار شده است. حزب عدالت و توسعه که حدود 49.5 درصد از آرای ترکیه را در اختیار داشت، حالا در مرز 28 درصد گیر کرده و نمی‌تواند از آن بالا برود».تامر بولات در ادامه به مقاطع تاریخی پیشین اشاره کرده و می‌گوید: «سهم آرای حزب عدالت و توسعه که در انتخابات 2011 و نوامبر 2015 حدود 49.5 تا 49.8 درصد بود، در سال 2018 به 42.6 درصد و در انتخابات 2023 و 2024 به محدوده 35.5 درصد کاهش یافت. اما حالا به 28.24 درصد کاهش یافته است. یعنی در این سالها، کاهش 21 تا 22 درصدی وجود دارد که کم نیست، بلکه کاهشی کاملاً قابل توجه است. بحران اقتصادی طولانی مدت قطعاً بر این امر تأثیر دارد».بولات به این اشاره کرده که حزب نو به رهبری اوزگور اوزل، از رأی‌دهندگان راست‌گرا نیز حمایت قابل توجهی دریافت می‌کند. او می‌گوید: «حزب نو در حال حاضر همچنان از رأی دهندگان حزب عدالت و توسعه و حزب حرکت ملی گرا و همچنین سایر اجزای اپوزیسیون رأی دریافت می‌کند. جمع‌آوری این رأی‌دهندگان در اینجا بسیار مهم بود و داده‌ها نشان می‌دهد که حزب نو در انجام این کار موفق بوده است».

کشور ترکیه ، رجب طیب اردوغان ، حزب عدالت و توسعه - آکپارتی ،

تحقیقات نشان داده که کاهش چشمگیر در گروه رأی‌دهندگان بالای 50 سال، که به طور سنتی قوی‌ترین گروه برای حزب عدالت و توسعه است، معضل جدیدی برای تیم اردوغان است. در داده‌های گذشته، 65 درصد قریب به اتفاق رأی‌دهندگان بالای 50 سال به حزب عدالت و توسعه رأی می‌دادند.

حساب‌های اضافی همچنان بلاتکلیف؛ حسام چرا کار مردم را راه



راه‌اندازی سامانه «حسام» قرار بود نقطه پایانی بر یکی از مشکلات قدیمی مشتریان شبکه بانکی باشد؛ انباشت حساب‌های متعدد، حساب‌های راکد و الزام به مراجعه حضوری برای بستن آن‌ها. بانک مرکزی با طراحی این سامانه به‌دنبال آن بود که فرآیند شناسایی و تعیین تکلیف حساب‌های مازاد را از مسیر سنتی شعب خارج کند و به یک بستر متمرکز و غیرحضوری بسپارد، اما تجربه نخستین روزهای فعالیت این سامانه نشان می‌دهد که دیجیتالی‌کردن یک فرآیند بانکی، لزوماً به‌معنای حل مشکلات اجرایی آن نیست.

گزارش‌های کاربران از اختلال در دسترسی، دشواری تکمیل درخواست‌ها و بلاتکلیفی در فرآیند بستن حساب‌ها، این نگرانی را ایجاد کرده است که حسام نتوانسته است در مرحله اجرا به‌اندازه وعده‌های زمان رونمایی موفق عمل کند، در مواردی نیز مشتریانی که با هدف تعیین تکلیف حساب‌های اضافی وارد سامانه شده‌اند، همچنان ناچارند برای پیگیری وضعیت حساب یا تکمیل فرآیند انسداد به شعب بانک‌ها مراجعه کنند، به این ترتیب، قرار بود یک سامانه الکترونیکی از رفت‌وآمد مردم بکاهد، اما ضعف در عملکرد آن می‌تواند همان مسیر پرهزینه و زمان‌بر گذشته را دوباره به مشتریان تحمیل کند.مسئله حسام را نباید صرفاً یک اختلال نرم‌افزاری یا مشکل مقطعی در ورود کاربران دانست، آنچه در این تجربه اهمیت بیشتری دارد، شکاف میان طراحی یک خدمت متمرکز در سطح بانک مرکزی و آمادگی عملیاتی بانک‌هایی است که باید در نهایت درخواست مشتری را اجرا کنند. اگر سامانه بتواند حساب‌ها را شناسایی کند، اما در مرحله استعلام، رفع موانع، انتقال مانده و بستن قطعی حساب به زیرساخت بانک‌ها وابسته بماند، بخش مهمی از وعده غیرحضوری‌سازی همچنان روی کاغذ باقی خواهد ماند.

از درگاه ملی دولت تا هسته‌های قدیمی بانک‌ها

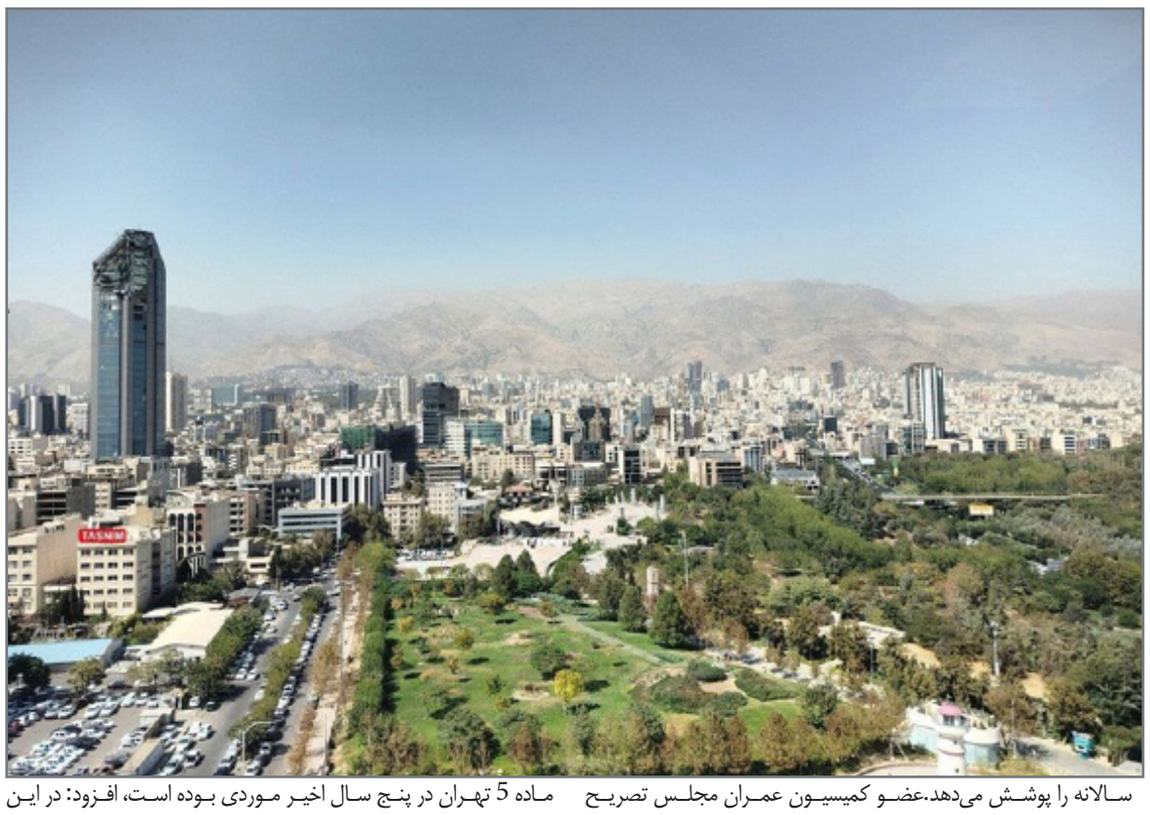
یکی از نخستین چالش‌های کاربران، مسیر ورود و احراز هویت است، متقاضی برای استفاده از خدمات حسام باید از طریق پنجره ملی خدمات دولت هوشمند وارد شود و مراحل احراز هویت سطح سه را پشت‌سر بگذارد، این الزام از منظر امنیت اطلاعات و جلوگیری از دسترسی غیرمجاز قابل دفاع است، اما برای کاربرانی که با فرآیندهای احراز هویت دیجیتال آشنایی کافی ندارند، می‌تواند نخستین مانع استفاده از خدمت باشد.پس از ورود نیز اطلاعات حساب‌ها از سامانه یکپارچه اطلاعات حساب‌های بانکی یا همان «سیاح» دریافت می‌شود، اهمیت این مرحله در آن است که کاربر باید بتواند تصویری دقیق و به‌روز از تمام حساب‌های خود در بانک‌های مختلف داشته باشد، هرگونه مغایرت میان اطلاعات ثبت‌شده در سامانه مرکزی و وضعیت واقعی حساب در بانک عامل، می‌تواند ادامه فرآیند را با مشکل مواجه کند،برای نمونه، اگر حسابی سال‌ها قبل بسته شده باشد اما اطلاعات آن همچنان در فهرست حساب‌های فعال نمایش داده شود، مشتری با وضعیتی روبه‌رو خواهد شد که امکان تصمیم‌گیری درست را از او می‌گیرد، در چنین شرایطی، سامانه‌ای که برای کاهش سردرگمی مردم طراحی شده است، خود به منشأ پرسش و پیگیری تازه تبدیل می‌شود.البته برای ارزیابی دقیق این موضوع باید میان خطای اطلاعاتی، تأخیر در به‌روزرسانی داده‌ها و اختلال در ارتباط سامانه‌ها تفاوت قائل شد. بانک مرکزی تاکنون آمار تفکیکی و جامعی از میزان مغایرت اطلاعات حساب‌ها یا تعداد درخواست‌های متوقف‌شده به این دلایل منتشر نکرده است، همین نبود اطلاعات شفاف، امکان ارزیابی مستقل عملکرد سامانه را دشوار می‌کند.

گره اصلی در جایی است که درخواست باید به عملیات بانکی تبدیل شود

مهم‌ترین بخش فرآیند حسام، مرحله‌ای است که درخواست ثبت‌شده از سوی مشتری باید در بانک عامل اجرا شود. در ظاهر، مسیر ساده است، فرد حساب‌های غیرضروری را انتخاب می‌کند، یک حساب را به‌عنوان حساب پایه معرفی می‌کند و درخواست بستن سایر حساب‌ها را به ثبت می‌رساند، سپس بانک مربوطه وضعیت حساب را بررسی می‌کند و در صورت نداشتن موانع قانونی، حساب را می‌بندد و مانده آن را به حساب مقصد انتقال می‌دهد،اما در پشت این فرآیند ظاهراً ساده، مجموعه‌ای از عملیات فنی و بانکی قرار دارد که هماهنگی آن‌ها ضروری است. سامانه باید بتواند اطلاعات حساب را از بانک عامل دریافت کند، وضعیت تعهدات مشتری را بررسی کند، موانع احتمالی را تشخیص دهد، مانده قابل انتقال را مشخص کند و در نهایت دستور بستن حساب را به‌درستی به سیستم عملیاتی بانک برساند، این همان نقطه‌ای است که تفاوت میان یک سامانه نمایشی و یک خدمت دیجیتال کامل مشخص می‌شود.

در شبکه بانکی، همه عملیات‌ها لزوماً از طریق یک زیرساخت یکسان انجام نمی‌شوند. بانک‌ها از سامانه‌های بانکداری متمرکز یا همان Core Banking استفاده می‌کنند که سطح یکپارچگی، قدمت فناوری و قابلیت اتصال آن‌ها به سرویس‌های بیرونی متفاوت است، بنابراین، اگر سامانه مرکزی بانک مرکزی برای اجرای یک فرآیند یکپارچه طراحی شده باشد، اما بانک عامل نتواند تمام مراحل موردنیاز را به‌شکل برخط و خودکار انجام دهد، نتیجه چیزی جز ایجاد وقفه در زنجیره خدمت نخواهد بود،برای مثال، ممکن است یک حساب ظاهراً راکد باشد، اما همچنان دارای مسدودی قدیمی، تعهد بانکی، چک تعیین‌تکلیف‌نشده یا ارتباط با یک خدمت فعال باشد. حتی وجود مانده اندک یا اطلاعات ناقص درباره وضعیت حساب نیز می‌تواند نیاز به بررسی بیشتر ایجاد کند.این موارد لزوماً به‌معنای ضعف حسام نیستند، اما سامانه‌ای که با وعده بستن غیرحضوری حساب‌ها راه‌اندازی شده است، باید برای مدیریت چنین وضعیت‌هایی نیز راهکار مشخص داشته باشد. نمی‌توان انتظار داشت مشتری تمام پیچیدگی‌های ارتباط میان سامانه‌های بانکی را بشناسد و برای هر مانع احتمالی، شخصاً به‌دنبال یافتن راه‌حل در شعب مختلف باشد.

هشدار افزایش قیمت مسکن با ممنوعیت ساخت‌وساز در تهران و البرز



غلامرضا کاظمیان معاون شهرسازی و معماری وزیر راه و شهرسازی دیروز در نشست خبری در واکنش به ممنوع شدن ساخت و ساز در تهران با اشاره به برنامه ساماندهی جمعیت‌پذیری تهران و البرز گفته بود: این برنامه باید به‌صورت کامل بررسی شود تا مشخص شود چه اقداماتی شکل گرفته و چه بخش‌هایی هنوز نیازمند تکمیل است. به اعتقاد من، هنوز این اتفاق به‌طور کامل رخ نداده و از میان 24 بند پیش‌بینی‌شده، تنها یکی دو بند توسط برخی به‌صورت ناقص بررسی شده است.وی افزود: ابتدا باید بپذیریم که تهران با مسئله مواجه است، سپس این مسائل را شناسایی کنیم، برای آنها راه‌حل بیابیم و در نهایت، اراده اجرایی لازم برای حل آنها را داشته باشیم. این نکته کلیدی است. تمام این فرآیند باید در قالب پیشنهاد به هیئت دولت ارائه شود و پس از تصویب به مرحله اجرا برسد.وی با تأکید بر اینکه ساخت‌وساز در تهران و البرز ممنوع نشده است گفت: در ماده 2 این مصوبه، ممنوعیت بارگذاری جمعیت و فعالیت فراتر از ظرفیت طرح‌های جامع و تفصیلی موجود پیش‌بینی شده است. همچنین مقرر شده وزارت راه و شهرسازی ظرف مدت شش ماه تمهیدات لازم برای نحوه اجرای این موضوع را ارائه کند.کاظمیان ادامه داد: در بند دیگری نیز بازنگری طرح‌های جامع و تفصیلی فعلی پیش‌بینی شده است. هدف این مصوبه آن است که توسعه و ساخت‌وسازهای هدایت‌شده و قانونمند جایگزین ساخت‌وسازهای پراکنده، غیرقانونی و موردی شود.وی تصریح کرد: پراکندگی و نبود برنامه‌ریزی در شهرها، چه در حوزه مسکن و چه در بخش صنعت و سایر فعالیت‌ها، از جمله مسائلی است که مشکلاتی را ایجاد کرده و باید برای ساماندهی آن چاره‌اندیشی شود.این در حالی است که یکی از اعضای کمیسیون عمران مجلس با انتقاد از این اقدام، نسبت به افزایش قیمت مسکن، گسترش تراکم‌فروشی و شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی هشدار داد.سیدمنان رئیسی با اشاره به ارسال نامه رسمی به هیئت تطبیق مصوبات دولت با قوانین مجلس برای ابطال این مصوبه دولت به خانه ملت گفت: «برنامه اقدام برای ساماندهی، پالایش عملکردی و تمرکززدایی از استان‌های تهران و البرز» 26 مهرماه ابلاغ شد که بر اساس آن به مدت سه سال ساخت شهرک و ایجاد شهر جدید در این دو استان ممنوع است. توسعه روستاها نیز صرفاً متناسب با رشد طبیعی جمعیت مجاز خواهد بود و الحاق زمین به محدوده شهرها و ساخت‌وساز جدید محدود می‌شود.وی با بیان اینکه تقاضای سالانه مسکن در تهران و البرز بیش از 150 هزار واحد برآورد می‌شود، افزود: ظرفیت باقی‌مانده طرح‌های تفصیلی کلان‌شهرهای این دو استان حدود 46 تا 50 هزار واحد است؛ رقمی که به گفته وی، تنها حدود یک‌سوم نیاز سالانه را پوشش می‌دهد.عضو کمیسیون عمران مجلس تصریح کرد: محدود شدن عرضه زمین در کنار تقاضای موجود، به کمبود عرضه و افزایش قیمت مسکن منجر می‌شود و تورم ایجادشده در تهران و کرج نیز می‌تواند به سایر شهرها و حتی روستاهای کشور سرایت کند.رئیسی با اشاره به تعارض این مصوبه با برنامه هفتم پیشرفت و قانون جهش تولید مسکن گفت: دولت طبق برنامه هفتم مکلف است طی 5 سال 330 هزار هکتار به اراضی سکونتگاه‌های کشور اضافه کند و در این حکم، استثنایی برای تهران و البرز در نظر گرفته نشده است. مطابق قانون جوانی جمعیت باید به خانواده‌های مشمول دارای سه یا چهار فرزند باید یک قطعه زمین حداکثر 200 متری واگذار شود؛ اما مصوبه جدید می‌تواند این خانواده‌ها را در تهران و البرز از حق قانونی خود محروم کند.وی تاکید کرد: با محدود شدن ساخت‌وساز در خارج از محدوده شهرها، تقاضای مسکن به داخل تهران هدایت می‌شود و فشار بر کمیسیون ماده 5 برای تغییر کاربری و افزایش تراکم بالا می‌رود؛ موضوعی که می‌تواند ترافیک، آلودگی هوا و افت کیفیت زندگی را تشدید کند.وی با بیان اینکه حدود 90 درصد مصوبات کمیسیون ماده 5 تهران در پنج سال اخیر موردی بوده است، افزود: در این مصوبات، برای پلاک‌های مشخص تغییر کاربری یا افزایش طبقات صورت گرفته و به اعتقاد وی، بخشی از مشکلات ترافیکی و آلودگی هوای پایتخت نیز با این روند مرتبط است.عضو کمیسیون عمران مجلس هشدار داد: وقتی تقاضای مسکن وجود دارد اما امکان قانونی تأمین آن محدود می‌شود، احتمال ساخت‌وساز غیررسمی و گسترش حلبی‌آبادها افزایش می‌یابد؛ مناطقی که ممکن است در سال‌های آینده ناچار به رسمیت شناختن آنها شویم.وی با استناد به اصل 31 قانون اساسی تأکید کرد: داشتن مسکن متناسب، حق هر خانواده ایرانی است و نمی‌توان جوانان متولد و بزرگ‌شده تهران و کرج را به دلیل محدودیت‌های جدید از این حق محروم کرد. به گفته وی، در صورت نیاز به ساماندهی جمعیت، باید مهاجرت درون‌استانی و افزایش متناسب اراضی روستایی نیز مورد توجه قرار گیرد.رئیسی با مقایسه آمار مسکن حمایتی و ساخت‌وساز ناشی از تراکم‌فروشی در تهران گفت: طی پنج سال اخیر، حدود 100 هزار واحد مسکن حمایتی در کشور تحویل شده



چین دوباره بنزین را گران کرد

به نقل از رویترز، کمیسیون ملی توسعه و اصلاحات چین اعلام کرد: از 30 اکتبر قیمت عمده‌فروشی هر تن بنزین 345 یوان و هر تن گازوئیل 335 یوان افزایش می یابد.

این در حالی است که بر اساس فرمول عادی قیمت‌گذاری سوخت در چین، افزایش قیمت بنزین و گازوئیل به‌ترتیب باید 440 و 420 یوان در هر تن می‌بود.
به این ترتیب، دولت چین بخشی از افزایش ناشی از رشد قیمت نفت در بازارهای جهانی را جذب کرده تا از انتقال کامل شوک انرژی به اقتصاد داخلی جلوگیری کند.

این تصمیم در شرایطی اتخاذ شده که اختلال در عرضه نفت و نااطمینانی درباره امنیت مسیرهای انتقال انرژی در خاورمیانه، به‌ویژه تنگه هرمز، بازار جهانی نفت را با فشار روبه‌رو کرده است.

بررسی روند تغییرات قیمت سوخت در چین نشان می‌دهد این افزایش، نخستین واکنش پکن به پیامدهای جنگ نبوده است. چین در 10 مارس، نخستین افزایش بزرگ قیمت سوخت پس از آغاز حملات در 28 فوریه را اعمال کرد؛ به‌طوری‌که سقف قیمت هر تن بنزین 695 یوان و گازوئیل 670 یوان افزایش یافت.
این افزایش، شدیدترین تعدیل قیمت سوخت در چین از مارس 2022 بود.

در 23 مارس نیز با تشدید جهش قیمت نفت، دولت چین افزایش قیمت‌ها را که طبق فرمول رسمی باید به 2205 یوان برای بنزین و 2120 یوان برای گازوئیل می‌رسید، به‌ترتیب به 1160 و 1115 یوان محدود کرد. در 7 آوریل نیز افزایش دیگری با اعمال محدودیت دولتی انجام شد.

اگرچه در ماه‌های بعد، با کاهش مقطعی قیمت نفت، چند مرحله کاهش قیمت سوخت نیز در چین اتفاق افتاد، اما بازگشت تنش‌ها و اختلال در مسیرهای انتقال انرژی، بار دیگر روند افزایشی را فعال کرد.

طبق گزارش رویترز، تا 24 سپتامبر قیمت خرده‌فروشی بنزین و گازوئیل چین به‌ترتیب 24 و 26 درصد بالاتر از سطح پیش از جنگ قرار گرفته بود. اهمیت تحولات تنگه هرمز در این میان قابل توجه است.
بر اساس داده‌های اداره اطلاعات انرژی آمریکا، پیش از جنگ حدود 20 درصد مصرف جهانی فرآورده‌های نفتی از این گذرگاه عبور می‌کرد و بخش عمده محموله‌های آن راهی بازارهای آسیایی، از جمله چین، می‌شد.

گزارش‌های رویترز نیز از افزایش فشارهای امنیتی و محدودیت تردد کشتی‌ها در این آبراه راهبردی حکایت و تاکید دارد که امنیت انرژی اقتصادهای بزرگ جهان تا چه اندازه به تحولات خلیج فارس و معادلات امنیتی تنگه هرمز وابسته است.

عصر قانون
روزنامه اجتماعی اقتصادی
سه شنبه
۱۹ آبان ۱۴۰۵ • ۳۰ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ • 10 November 2026
www.asrghanoon.ir
سال پنجم • شماره نهصد و سی و پنج



هوش مصنوعی، ابزارهای جنگ نرم در سینمای مقاومت

محمد برادران سرپرست جلوه‌های ویژه فیلم‌های سینمایی و سریال، با اشاره به جایگاه مهم جلوه‌های ویژه در سینمای دفاع مقدس گفت: تولید فیلم‌های دفاع مقدسی به‌طور طبیعی دشواری‌های زیادی دارد؛ چراکه این آثار در بسیاری از موارد به انفجارها، صحنه‌های گسترده و لجستیک سنگین نیاز دارند و اجرای برخی موقعیت‌ها در شرایط واقعی بسیار دشوار یا حتی ناممکن است. از همین رو، جلوه‌های ویژه در سال‌های اخیر جایگاه ویژه‌ای در ساخت این آثار پیدا کرده است.وی افزود: در سال‌های گذشته، به دلیل محدودیت‌های فناوری و کمبود تجربه در این حوزه، تهیه‌کنندگان و کارگردانان کمتر به سراغ استفاده گسترده از جلوه‌های ویژه می‌رفتند؛ اما خوشبختانه توان فنی گروه‌های جلوه‌های ویژه در ایران افزایش یافته و همین مسئله باعث شده است عوامل تولید با اطمینان و رغبت بیشتری از این ظرفیت استفاده کنند.این‌سرپرست جلوه‌های ویژه در سینما، با اشاره به تأثیر هوش مصنوعی بر آینده این حرفه گفت: به نظر می‌رسد با ورود و گسترش هوش مصنوعی، سرعت و توان تولید آثار جلوه‌محور نیز افزایش پیدا کند. حتی این احتمال وجود دارد که در سال‌های آینده برخی فیلم‌ها به‌طور کامل با هوش مصنوعی ساخته شوند؛ به‌ویژه فیلم‌های جنگی که بخش قابل توجهی از تولید آنها بر تصویرسازی و جلوه‌های بصری استوار است و ساخت صحنه‌هایشان در محیط‌هایی مانند مناطق جنوبی، شرایط آب‌وهوایی دشوار یا موقعیت‌های پرهزینه، با مشکلات زیادی همراه است.برادران گفت: احتمالاً در آینده با آثاری روبه‌رو خواهیم شد که تمام مراحل تولید آنها مبتنی بر هوش مصنوعی است یا فیلم‌هایی که از ابتدا بر پایه جلوه‌های ویژه طراحی می‌شوند و با روش‌های مرسوم یا ترکیبی از فناوری‌های پیشین و هوش مصنوعی به نتیجه می‌رسند. در هر صورت، سهم این شیوه‌ها در تولید سینما بیشتر خواهد شد.

جلوه‌های ویژه؛ بخشی از توان عملیاتی جنگ نرم

وی در جمع‌بندی کارگاه خود و در توصیه به جوانان علاقه‌مند به سینمای دفاع مقدس، فناوری و ابزارهای سینمایی را بخشی از توان جبهه فرهنگی دانست و گفت: من همیشه تأکید کرده‌ام که ابزارهایی مانند جلوه‌های ویژه، هوش مصنوعی، نرم‌افزارها، دوربین، بازیگری، صداب‌رداری و تدوین، ابزارهای جنگ نرم ما هستند .

رزمندگانی که در آب جان دادند تا خاک را حفظ کنند



۱۰ آبان سال ۱۳۶۱ در حالی که ۸ دقیقه از ساعت ۱۰ شب می‌گذشت فرماندهی قرارگاه کربلا رمز «یا زینب(س)» را اعلام کرد، این یعنی رزمندگان اسلام که اغلب از قم و اصفهان بودند باید حملات خود را علیه دشمن بعثی تحت عملیاتی به‌عنوان «محرم» آغاز می‌کردند، این نخستین مرحله از مراحلی بود که فرماندهان برای دستیابی به اهداف خود، در این حمله طراحی کرده بودند.

رزمندگان اسلام باید تلاش می‌کردند تا نهایتاً سرزمین‌های اشغال‌شده اطراف کوه‌های مرزی جبل‌الحمرین در جنوب دهلران و منطقه بین فکه تا شهر دهلران را آزاد کنند، منطقه‌ای که از شرق به رودخانه «دویرج» و از غرب به ارتفاعات مرزی جبل‌الحمرین و جبل‌الفوقی محدود می‌شد. شهرهای العماره و علی غربی و علی شرقی عراق و رودخانه دجله در غرب هم در همین منطقه واقع شده است.

در ساعت ۶ صبح روز ۱۱/۸/۶۱ به‌استثنای جناح چپ منطقه عملیات، کلیه یگان‌ها اهداف تعیین‌شده را تصرف نمودند و پس از یکی دو ساعت، بین کلیه نیروها الحاق حاصل شد. از چهار قرارگاه فرعی شرکت‌کننده در عملیات، نیروهای سه قرارگاه اهداف خود را حتی بیش از آنچه پیش‌بینی شده بود، تصرف کردند، ولی یگان‌های قرارگاه چهارم به‌علت طغیان رودخانه دویرج و پاره‌ای مشکلات در پشتیبانی یگان‌های مانوری نیروها، نتوانستند اهداف خود را در حوالی منطقه چم هندی و ربوط به‌طورکامل تصرف نمایند.طغیان رودخانه موضوعی بود که غیرمنتظره انجام شد، یحیی رحیم صفوی در خصوص این اتفاق می‌گوید: «در عملیات محرم اتفاق خیلی بدی افتاد، در این عملیات، تیپ ۱۴ امام حسین(ع) روی رودخانه دویرج پلی زده بود تا از روی آن عبور کند.آن شب در ارتفاعات بارندگی شد. ارتفاعات پشت‌کوه و سیاه‌کوه ارتفاعات بلندی‌اند که از ایلام تا خوزستان کشیده شده‌اند و تا دزفول ادامه پیدا می‌کنند، طول این ارتفاعات دویست کیلومتر است. براثر بارندگی، سیلاب بزرگی راه افتاد و توی رودخانه دویرج و چیخواب ریخت و در حالی که نیروهای تیپ امام حسین(ع) داشتند از روی پل عبور می‌کردند، پل منهدم شد و تقریباً دو گردان از نیروها را سیل برد.»در شناسایی عملیات، نیروهای اطلاعاتی بارها از عمق کم رودخانه عبور کرده بودند، حتی در شب و در ساعات اولیه، عمق رودخانه کم بود، اما به‌دلیل بارندگی‌ای که شب قبل صورت گرفته بود، آب از بالادست رودخانه کم‌کم جاری شد و زمانی که رزمندگان می‌خواستند از دویرج عبور کنند، آب رودخانه لحظه به لحظه بالاتر رفت، در آن زمان سد وجود نداشت، وقتی مسئولان گردان امام محمد باقر(ع) به قرارگاه اطلاع دادند آب رودخانه بالا آمده است، کسی باورش نمی‌شد، چون از یک ماه قبل، آب این رودخانه نهایتاً تا زانوی نیروهای شناسایی بالا می‌آمد.سردار شریعتی، فرمانده گردان امام محمد باقر(ع) می‌گوید: آن شب تقریباً نیمی از نیروهای گردان ایشان در طغیان دویرج شهید می‌شوند. آقای شریعتی روایت کرده است: «وقتی در آب غوطه‌ور شدم در تاریکی چیزی را نمی‌دیدم، به‌قدر خودم تقلا کردم و کمی مانده به پیچی که جریان آب در آن شدیدتر می‌شد، دیدم دست و پایم به گل‌ولای ساحل می‌خورد، خودم را از آب بیرون کشیدم. تعدادی از بچه‌ها با نوار مسلسل یا شاخه‌های درخت‌ها قبل از پیچ رودخانه ایستاده بودند و سعی می‌کردند آن‌هایی را که در آب غوطه‌ور بودند نجات دهند، اما حدود ۱۳۰ الی ۱۴۰ نفر از نیروهای گردان در آب غرق شدند و ۱۴۰ الی ۱۵۰ نفر هم سالم به آن طرف رودخانه رسیدند.»

علی‌رغم این اتفاق تلخ اهداف عملیات از جمله تصرف کلیه ارتفاعات و دامنه‌های غربی حمرین و جاده‌ها و مراکز مهم عملیاتی و ایجاد تأمین لازم برای جاده آسفالته چم‌سری، شرهانی، زبیدات و همچنین جاده شنی زبیدات ــ طیب به دست آمد، همچنین غنائم بسیاری نیز به دست رزمندگان اسلام افتاد.

سهم واقعیت در قصه‌ها چقدر است؟



این روزها سریال «بهار شیراز» به نویسندگی و کارگردانی حسن وارسته و تهیه‌کنندگی ابوالفضل صفری از تلویزیون پخش می‌شود؛ مجموعه‌ای کمدی با محوریت زندگی یک خانواده شیرازی که روابط خانوادگی و اتفاقات روزمره را دستمایه روایت خود قرار داده است. با این حال، پخش این مجموعه بار دیگر بحث کیفیت آثار تولیدی تلویزیون را مطرح کرده است. برخی منتقدان معتقدند «بهار شیراز» می‌توانست با پرداخت دقیق‌تر به متن و شخصیت‌ها، به مجموعه‌ای با کیفیت بالاتر تبدیل شود.این انتقادها در شرایطی مطرح می‌شود که مرکز سیمرغ در سال‌های اخیر با میدان دادن به نیروهای جوان و ورود به ژانرهایی که کمتر در تلویزیون به آن‌ها پرداخته شده، مسیر متفاوتی را در تولید دنبال کرده است؛ مسیری که به نظر می‌رسد برای تثبیت آن، توجه جدی‌تر به کیفیت فیلمنامه، فرصت کافی برای تولید و پرداخت جزئیات ضرورت دارد. افزایش تعداد آثار و تجربه ژانرهای متنوع، زمانی می‌تواند به نتیجه مطلوب برسد که کیفیت نیز هم‌پای کمیت مورد توجه قرار گیرد.

جامعه اشاره کرد. واقعی تجربه‌های به نمایشی آثار شدن نزدیک ضرورت و تولید فشرده شرایط تلویزیون، در واقعیت بازنمایی محدودیت‌های نادر به شخصیت ویژگی‌های درباره سازندگان با اختلاف‌نظرهایش از جریان این گفت‌وگو در نجفی است. گذاشته سر پشت را تلویزیونی کمدی یک در حضور تجربه مجموعه این در می‌شود، شناخته درام و جدی آثار در نقش‌آفرینی با بیشتر که او می‌کند. بازی را خانواده پدر معدل، نادر نقش شیراز» «بهار در نجفی قربان

در طول بازی در «بهار شیراز» پیش آمد که با رفتار یا تصمیمی از نادر معدل موافق نباشید، اما به اقتضای متن آن را اجرا کنید؟

این اتفاق بارها برای من پیش آمد. حتی از ابتدا اصرار داشتم که نادر معدل معلم نباشد و ترجیح می‌دادم شغل دیگری برای او در نظر گرفته شود؛ چون احساس می‌کردم انتخاب شغل معلمی، محدوده عمل شخصیت را تا اندازه‌ای محدود می‌کند. معلم در جایگاه فردی قرار دارد که به دانش‌آموزان آموزش می‌دهد و طبیعتاً رفتار، گفتار و نوع شوخی‌هایی که می‌توان برای چنین شخصیتی در نظر گرفت، باید با این جایگاه تناسب داشته باشد.به همین دلیل فکر می‌کردم اگر نادر شغل دیگری، برای مثال مکانیکی، داشت، امکان بیشتری برای طراحی رفتارهای متفاوت و موقعیت‌های طنزآمیز فراهم می‌شد. در نهایت، شخصیت با همین ویژگی‌ها شکل گرفت و ما تلاش کردیم در محدوده‌ای که برای او تعریف شده بود، ظرفیت‌های نمایشی بیشتری پیدا کنیم.با وجود این اختلاف‌نظر اولیه، چطور به شیوه اجرای نادر معدل رسیدید؟ وقتی تصمیم گرفته شد نادر معلم باشد، همچنان درباره بعضی جزئیات و نحوه اجرای شخصیت اختلاف‌نظرهایی داشتیم که با گفت‌وگو برطرف می‌شد. گاهی هم بخش‌هایی از نقش را اجرا می‌کردم که کاملاً مطابق سلیقه‌ام نبود. البته در بازیگری همیشه این امکان وجود دارد که بازیگر با حفظ چارچوب متن، بخشی از نگاه و پیشنهادهای خود را وارد اجرا کند.من با گروه و آقای وارسته درباره شیوه حضور نادر در موقعیت‌های کمدی صحبت کردم. به این نتیجه رسیدیم که نقش من بیشتر شبیه پاسور در یک بازی فوتبال باشد؛ یعنی زمینه را فراهم کنم تا دیگران بتوانند گل بزنند. احساس می‌کردم این شخصیت ظرفیت آن را ندارد که به‌تنهایی بار اصلی طنز را بر دوش بکشد. بنابراین تلاش کردم با قرار گرفتن در موقعیت مناسب، زمینه شکل‌گیری طنز دیگران، از جمله شخصیت اقبال با بازی مازیار مهرگان، را فراهم کنم.

نادر معدل قرار نبود در همه صحنه‌ها خودش عامل اصلی خنده باشد. در بسیاری از موقعیت‌ها، واکنش‌ها و رفتارهای او به شخصیت‌های دیگر امکان می‌داد موقعیت کمدی را پیش ببرند. البته در بعضی صحنه‌ها خود نادر نیز رفتارهایی داشت که به طنز منجر می‌شد، اما رویکرد اصلی من این بود که به‌عنوان بخشی از یک مجموعه هماهنگ، در شکل‌گیری طنز موقعیت مشارکت کنم.

محدودیت‌های تلویزیون و فاصله با واقعیت زندگی

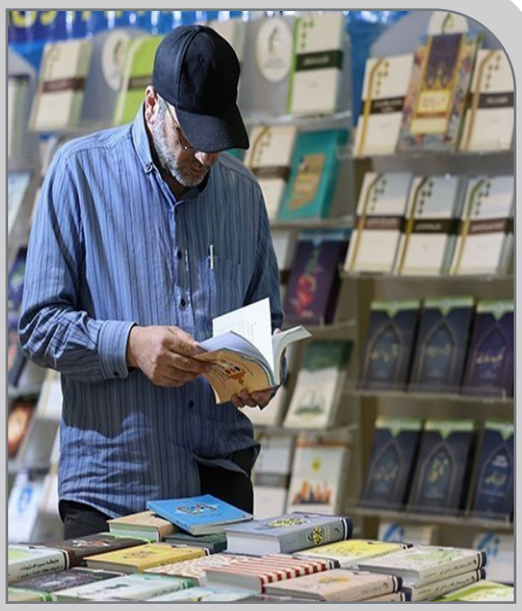
یکی از انتقادهایی که به برخی آثار تلویزیونی وارد می‌شود، ارائه تصویری کنترل‌شده و گاه دور از واقعیت‌های زندگی مردم است. فکر می‌کنید «بهار شیراز» تا چه اندازه توانسته از این وضعیت فاصله بگیرد؟

در کار تلویزیونی نمی‌توان به‌طور کامل به تصویری بی‌واسطه و کاملاً واقعی از زندگی مردم رسید. محدودیت‌هایی وجود دارد که بر شیوه نمایش روابط و رفتارهای اجتماعی تأثیر می‌گذارد. برای مثال، یکی از مسائل همیشگی در تولیدات تلویزیونی، محدودیت‌های مربوط به پوشش است. حتی در نمایش روابط خانوادگی نیز این محدودیت‌ها وجود دارند و بر چگونگی بازنمایی زندگی روزمره اثر می‌گذارند.

با وجود این محدودیت‌ها، تصور می‌کنم «بهار شیراز» تا اندازه‌ای توانسته به زندگی واقعی و شخصیت‌هایی که در جامعه می‌بینیم نزدیک شود. در این مجموعه با اغراق‌هایی روبه‌رو هستیم که بخشی از ماهیت کمدی اثر است، اما در عین حال، روابط میان شخصیت‌ها و صمیمیتی که قرار بود در خانواده شکل بگیرد، برای من باورپذیر بود. البته هیچ اثری را نمی‌توان کاملاً بدون نقص دانست و «بهار شیراز» نیز از این قاعده مستثنا نیست.اگر شرایط تولید و محدودیت‌های موجود را در نظر بگیریم، فکر می‌کنم مجموعه در نزدیک شدن به برخی ویژگی‌های زندگی مردم موفق بوده است. مهم این است که شخصیت‌ها صرفاً مجموعه‌ای از رفتارهای نمایشی نباشند، بلکه مخاطب بتواند روابط و واکنش‌های آن‌ها را در زندگی واقعی نیز تصور کند.

از مخاطبانی که سریال را دنبال کرده‌اند، چه بازخوردهایی دریافت کرده‌اید؟

کسانی که سریال را دنبال کرده‌اند، معمولاً از شخصیت‌ها، طنز موجود در مجموعه و صمیمیت روابط میان آن‌ها صحبت می‌کنند. به نظرم این سه ویژگی برای مخاطبانی که با سریال ارتباط برقرار کرده‌اند، اهمیت داشته است. من «بهار شیراز» را تجربه‌ای موفق می‌دانم، اما معتقدم باید شرایط تولید و امکاناتی را که در اختیار گروه قرار داشت نیز در ارزیابی آن در نظر گرفت.ما در مدت بسیار کوتاهی حجم زیادی از کار را تولید کردیم. به اعتقاد من، اگر قرار بود همین مجموعه با شرایط تولیدی متفاوت و فرصت زمانی بیشتری ساخته شود، ممکن بود دست‌کم دو سال زمان نیاز داشته باشد.



کدام «تخفیف» به نفع کتاب‌خوان است؟

بازار نشر و توزیع کتاب در ایران طی سال‌های اخیر با چالش‌های ساختاری عمیقی دست‌وپنجه نرم می‌کند که مسئله عرضه کتاب با قیمت‌های متفاوت و آشفته یکی از بارزترین نمونه‌های آن است. پدیده چندنرخی بودن آثار، تخفیف‌های نجومی و غیرمتعارف در پلتفرم‌های آنلاین و نبود نظارت واحد بر زنجیره توزیع، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به پیکره ضعیف اقتصاد فرهنگ و کتاب‌خوانی در کشور وارد کرده است.یکی از مخرب‌ترین پیامدهای آشفتگی در عرضه کتاب، شکل‌گیری رقابت نابرابر میان کتابفروشی‌های سنتی و محلی با پلتفرم‌های بزرگ فروش آنلاین و برخی ناشر-مؤلفان است. در حالی که کتابفروش محلی با هزینه‌های سرسام‌آور اجاره، حامل‌های انرژی و مالیات دست‌وپنجه نرم می‌کند، برخی مراکز یا سایت‌های آنلاین با تخفیف‌های ۳۰ تا ۵۰ درصدی کتاب را عرضه می‌کنند. این روند، کتابفروشی‌های مستقل را به ورشکستگی کشانده و چراغ بسیاری از پاتوق‌های فرهنگی محلات را خاموش کرده است.از سوی دیگر، وقتی یک کتاب با قیمت‌های متفاوتی در بازار عرضه می‌شود یا تخفیف‌های غیرواقعی روی آن اعمال می‌گردد، نخستین قربانی، اعتماد عمومی مخاطب است. خریدار کتاب دچار این تردید و سردرگمی می‌شود که آیا قیمت درج‌شده پشت جلد واقعی است یا ناشران با گران‌نمایی اولیه، فضایی ساختگی برای تخفیف‌دهی ایجاد کرده‌اند؟ این امر به ارزش ذاتی کتاب به عنوان یک کالای فرهنگی آسیب جدی زده و آن را به سطحی از کالاهای بازاری بی‌ارزش تنزل می‌دهد.یکی از مواردی که در ماه‌های گذشته با انتقادات کتابفروشان مواجه شد، عرضه مجموعه شاهنامه مصور انتشارات سایان است که با چند قیمت متفاوت عرضه شده است. این مجموعه که پشت جلد ۸ میلیون تومان است، در پیش‌فروش به مبلغ ۳ میلیون تومان عرضه شد؛ پس از آن با قیمت ۸ میلیون تومان و با تخفیف ۲۰ تا ۲۵ درصد پشت جلد به کتابفروشی‌ها راه یافت و کتابفروش آن را با قیمت پشت جلد عرضه کرد. به موازات این موضوع، سایت انتشارات، کتاب را با تخفیف ۳۸ درصد به قیمت ۵ میلیون تومان و دیجی‌کالا با تخفیف ۴۳ درصد به قیمت ۴ میلیون و ۵۹۰ هزار تومان عرضه کرد. این تفاوت قیمت موجب شد که کتابفروشان انتقاد جدی به این موضوع داشته باشند.

اما این انتقادها با رسیدن کتاب به چاپ سوم همچنان ادامه دارد. مهدی حسین‌زادگان، مدیر داخلی انتشارات ققنوس، در این خصوص به تسنیم می‌گوید: ما در کتابفروشی‌های ققنوس ابتدا نسخه‌هایی از شاهنامه را سفارش دادیم، اما با بررسی موضوع و توجه به تفاوت قیمت، همه نسخه‌ها را مرجوع کردیم.وی ادامه داد: وقتی دیجی‌کالا کتاب را با تخفیف ۴۳ درصد می‌فروشد، مشتری از ما انتظار تخفیف ۵۰ درصدی دارد. ما چگونه می‌توانیم کتابی که با تخفیف ۳۰ درصد پشت جلد خریدیم را با تخفیف ۵۰ درصد بفروشیم؟ به گفته حسین‌زادگان، توزیع این کتاب در کتابفروشی‌ها اشتباه بود. این کتاب که با سرمایه دیجی‌کالا منتشر شده است، باید در همین پلتفرم انحصاری توزیع می‌شد. نبض توزیع کتاب در ایران سال‌هاست که از مسیر علمی و شفاف خود خارج شده و در انحصار حلقه‌های محدودی از توزیع‌کنندگان کلان قرار گرفته است. عرضه نامنظم و چندنرخی کتاب باعث می‌شود که ناشران شهرستانی یا ناشران خرد، توان دسترسی به شبکه سراسری توزیع را از دست بدهند.ساماندهی شبکه توزیع، اعمال نظارت دقیق بر قیمت‌گذاری قانونی و صیانت از حریم کتابفروشی‌ها به عنوان ارکان اصلی حیات فرهنگی کشور، از جمله مطالبات جدی فعالان این حوزه است که نیازمند مداخله و تدبیر جدی نهادهای صنفی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

از سوی دیگر، برخی معتقدند که ارائه کتاب با چند نرخ متفاوت در نهایت به نفع مصرف‌کننده است؛ اما باید گفت که این یکی از رایج‌ترین ابهاماتی است که در مواجهه با پدیده آشفته‌بازار قیمت‌گذاری کتاب مطرح می‌شود. در نگاه نخست، تخفیف ۳۰ یا ۴۰ درصدی یک کتاب در پلتفرم‌های آنلاین یا سایت ناشر، بردی آشکار برای خریدار به نظر می‌رسد؛ اما بررسی دقیق‌تر ساختار اقتصادی نشر نشان می‌دهد که این صرفه‌جویی ظاهری در بلندمدت ضربات سنگینی را به خود مصرف‌کننده وارد می‌کند. فارغ از موضوع عرضه شاهنامه مصور در دیجی کالا که سرمایه گذار اصلای این کتاب بوده و طبعا توان تخفیف بالا را دارد، در مواجهه با سایر موارد از این دست باید گفت، تخفیف‌های نجومی آنلاین، تخفیف واقعی از سود ناشر نیست، بلکه نتیجه یک گران‌نمایی اولیه است. برخی عرضه‌کنندگان با تبانی یا با پیش‌بینی فضای تخفیف‌خواهی در بازار، قیمت پشت جلد کتاب را رقمی غیرواقعی و بسیار بالاتر از ارزش واقعی تولید درج می‌کنند؛ سپس با اعمال تخفیف ۳۰ درصدی، کتاب را عملاً با قیمت واقعی یا حتی بالاتر می‌فروشند. در این سناریو، مصرف‌کننده تصور می‌کند که تخفیف گرفته، اما در واقع طعمه یک فریب بازاریابی شده است.

از سوی دیگر، کتابفروشی محله، صرفاً یک مغازه برای فروش کالا نیست؛ بلکه پایگاه فرهنگی، محل مشورت با کتابفروش متخصص و فضایی برای تورق آزادانه کتاب است. وقتی تخفیف‌های مخرب آنلاین، کتابفروشی‌های مستقل را به ورشکستگی و تعطیلی می‌کشاند، مصرف‌کننده دسترسی محلی خود را از دست می‌دهد. خریدار ناچار است کتاب خود را بدون امکان بررسی پیش از خرید و بر اساس تبلیغات سفارش دهد؛ فضایی که در آن انتخاب آگاهانه

هشدار اینترپل درباره پیوند تجارت کالای تقلبی با قاچاق انسان و پولشویی



کارشناسان شرکت‌کننده در کنفرانس بین‌المللی مقابله با جرایم مالکیت فکری در بانکوک، با هشدار درباره افزایش تهدید ناشی از محصولات تقلبی، غیراستاندارد و دارای برچسب‌گذاری نادرست، بر ضرورت تقویت تبادل اطلاعات میان کشورها و همکاری نهادهای مختلف برای مقابله با این پدیده تأکید کردند.

آثار جرایم مالکیت فکری بسیار فراتر از نقض حقوق مؤلف و کپی‌رایت است؛ چراکه عرضه محصولات غیرقانونی علاوه بر تضعیف کسب‌وکارهای قانونی و آسیب رساندن به اقتصادهای محلی، می‌تواند محیط‌زیست را تخریب کرده و جان مصرف‌کنندگان را به خطر بیندازد. این جرایم همچنین ممکن است زمینه‌ساز گسترش فعالیت‌های مجرمانه دیگری شوند

؛ زیرا گروه‌های سازمان‌یافته فراملی فعال در این حوزه، اغلب با جرایمی مانند قاچاق انسان، فساد و پولشویی ارتباط دارند.در همین راستا، 450 شرکت‌کننده از 52 کشور و 255 سازمان، از 27 تا 29 اکتبر 2026 در بانکوک گرد هم آمدند تا در کنفرانس بین‌المللی مقابله با جرایم مالکیت فکری شرکت کنند.

این کنفرانس با میزبانی مشترک اینترپل و پلیس سلطنتی تایلند و با همکاری سازمان «استانداردها و تعامل اولتیمیت» (ULSE) برگزار شد و مقام‌های پلیسی، دادستان‌ها، نمایندگان بخش خصوصی، دانشگاهیان و کارشناسان حوزه جرایم مالکیت فکری را برای تبادل یافته‌ها، تجربیات و روش‌های مقابله با این جرایم گرد هم آورد.

شرکت‌کنندگان در این نشست با محوریت شعار «عبور از مرزها؛ از اقدامات منطقه‌ای تا تأثیرگذاری جهانی»، ضمن بررسی آخرین روندهای جرایم مالکیت فکری و ارائه نمونه‌های عملی، درباره توسعه روش‌های نوین تحقیقات جنایی و تدوین راهبردهای کاربردی برای مقابله با شبکه‌های مجرمانه فرامرزی تبادل نظر کردند.

در این کنفرانس، محصولات تقلبی تهدیدکننده سلامت و ایمنی مصرف‌کنندگان در کانون توجه قرار داشتند که از جمله آن‌ها می‌توان به دستگاه‌های ویپ، باتری‌های لیتیوم‌یونی، تجهیزات ایمنی و اطفای حریق، قطعات خودرو و داروهای تقلبی اشاره کرد. همچنین کارشناسان درباره روندهای جدید و پرونده‌های مرتبط با محصولات مراقبت شخصی، پوشاک ورزشی و کالاهای مصرفی پرمصرف، از جمله مواد غذایی، نوشیدنی‌ها و محصولات خانگی، به تبادل تجربه پرداختند.

اینترپل اعلام کرد آکادمی جهانی این سازمان، کنفرانس سالانه مقابله با جرایم مالکیت فکری را از طریق «دانشکده بین‌المللی تحقیقات جرایم مالکیت فکری» برگزار کرده است؛ مرکزی که به نیروهای پلیس و مسئولان سایر نهادهای مرتبط، آموزش‌های تخصصی حضوری و مجازی در زمینه‌های مختلف مقابله با جرایم مالکیت فکری ارائه می‌دهد.

در نخستین روز این کنفرانس، یک دوره آموزشی جدید با عنوان «باتری‌های لیتیوم‌یونی تقلبی؛ تهدیدی رو به گسترش» از سوی این مرکز آموزشی راه‌اندازی شد. این دوره در کنار دو برنامه آموزشی پیشین درباره دستگاه‌های ویپ تقلبی و تجهیزات ایمنی و اطفای حریق تقلبی، به مجموعه آموزش‌های تخصصی مقابله با محصولات جعلی اضافه شده است.

والدسی اورکیزا، دبیرکل اینترپل، در پیامی ویدئویی به شرکت‌کنندگان، با اشاره به سوءاستفاده مجرمان از فناوری، بسترهای دیجیتال و ارتباطات جهانی برای گسترش فعالیت‌های خود در ورای مرزها، تأکید کرد که هیچ کشوری به‌تنهایی قادر به مقابله با این چالش‌ها نیست. وی تبادل اطلاعات، ایجاد اعتماد متقابل، تقویت مشارکت‌ها و انجام اقدامات هماهنگ میان حوزه‌های قضایی مختلف را از عوامل تعیین‌کننده موفقیت در مقابله با این جرایم دانست.

جف ماروتیان، رئیس و مدیرعامل سازمان «استانداردها و تعامل اولتیمیت» نیز با تأکید بر اهمیت تبادل تجربیات عملی و گسترش ارتباطات میان بخش‌های مختلف، اظهار داشت که ارزش چنین گردهمایی‌هایی تنها به اطلاعات ارائه‌شده در نشست‌ها محدود نمی‌شود، بلکه گفت‌وگوها، ارتباطات و اعتماد شکل‌گرفته میان افرادی که برای حفاظت از جوامع در برابر آسیب‌ها تلاش می‌کنند، بخش مهمی از دستاوردهای این رویداد است.

ژنرال پلیس تاچای پیتانیلابوت، معاون کمیسرکل پلیس سلطنتی تایلند نیز جرایم مالکیت فکری را چالشی جهانی توصیف کرد که کسب‌وکارها، اقتصادها و امنیت عمومی را تهدید می‌کند.
وی با تأکید بر ضرورت پاسخ هماهنگ به این تهدیدها گفت تبادل

به‌موقع اطلاعات، تحقیقات مشترک و مشارکت‌های مؤثر، از الزامات اصلی مختل کردن فعالیت شبکه‌های مجرمانه است و گفت‌وگوهای آغازشده در بانکوک می‌تواند زمینه‌ساز گسترش همکاری‌ها فراتر از منطقه شود.

یکی دیگر از محورهای اصلی این کنفرانس، ضرورت تقویت تبادل اطلاعات و همکاری میان بخش‌های مختلف، حتی میان شرکت‌های رقیب، بود. شرکت‌کنندگان تأکید کردند که اگر برندها و شرکت‌های تجاری شواهد مربوط به محصولات تقلبی و فروشندگان غیرقانونی را گردآوری کرده و در اختیار یکدیگر و نهادهای مجری قانون قرار دهند، امکان تشکیل پرونده‌های مستندتر برای تحقیقات جنایی و پیگرد قضایی افزایش خواهد یافت.

چرا سم‌زدایی بدون مهارت‌آموزی به شکست می‌انجامد؟



درمان اعتیاد سال‌هاست در نگاه عموم و حتی برخی مراکز درمانی، در سم‌زدایی فیزیکی و تجویز متادون خلاصه شده است؛ رویکردی تک‌بعدی که آمارهای بالای لغزش و بازگشت به مصرف، گواه ناکارآمدی آن است. یک محقق حوزه روان‌شناسی با تأکید بر اینکه «هیچ موقعیت کاملاً بی‌خطری برای فرد در حال ترک وجود ندارد»، معتقد است تا زمانی که الگوهای شناختی، رفتارهای معیوب خانواده و مهارت حل‌مسئله فرد اصلاح نشود، درمان محکوم به شکست خواهد بود.فرایند بازتوانی افراد وابسته به مواد، فراتر از قطع مصرف دارویی، نیازمند یک بازمهندسی رفتاری و روانی همه‌جانبه است؛ رویکردی که نادیده گرفتن آن چرخه باطل «ترک و لغزش مجدد» را تکرار می‌کند.

ریشه‌یابی و تدوین شرح‌حال دقیق، نخستین گام در توقف چرخه بازگشت است. پوراصغر، محقق و پژوهشگر حوزه روان‌شناسی و اعتیاد در این خصوص می‌گوید: «بالاترین شکست‌ها زمانی رخ می‌دهد که بدون تحلیل دقیق، انتظار داریم همه‌چیز ناگهان عوض شود. ما باید دقیقاً بدانیم فرد در چه شرایطی و با چه مؤلفه‌هایی مصرف داشته است. دانستن اینکه چه شد که فرد نخستین بار به سمت مصرف رفت، پازل خالی دنیای ذهنی‌اش چه بود و افکار خودکارش در برابر وسوسه چقدر توان مقاومت داشتند، کمک می‌کند طرح‌ریزی درمان با جزئیات به مراتب دقیق‌تری پیش برود.»

گفتنی است؛ تمرکز صرف بر ابعاد دارویی خطاست؛ اگر محرک‌های محیطی، اختلافات زندگی فردی و تنش‌های روزمره مدیریت نشوند، هر تنش جدید مانند یک «چاشنی انفجار» عمل کرده و درمان را متوقف خواهد کرد.

بخش مهمی از شکست‌های درمانی نه در کلینیک، بلکه درون کانون خانواده رقم می‌خورد. برچسب‌زنی‌هایی چون «بی‌اراده»، «مایه دردسر» و بازخوردهای سردی مانند «این بار هم به جایی نمی‌رسی»، تیر خلاص را به انگیزه شکننده فرد در حال بهبود می‌زند.

پوراصغر با اشاره به ضرورت خانواده‌درمانی تصریح می‌کند:«وقتی فرد ترک می‌کند، شنیدن جملاتی نظیر "حالا می‌بینیم چی میشه، اینم مثل دفعات قبل به جایی نمیرسه" رفته‌رفته انگیزه و اشتیاق ماندگاری در درمان را خاموش می‌کند. جدی نگرفتن و باور نکردن فرد توسط نزدیکان، مانع از شکل‌گیری یک تجربه متفاوت در مسیر بهبودی می‌شود.»

مصرف مواد به‌جای حل مسئله؛ تله‌ای که درمانگران باید بشکنند

یکی از یافته‌های کلیدی در سبب‌شناسی بازگشت به مصرف، پیوند خوردن مدیریت بحران با مواد است. این محقق حوزه روان‌شناسی با تأکید بر اینکه «مصاحبه انگیزشی» و «مهارت حل مسئله» دو بال حیاتی درمان هستند، می‌افزاید: «یکی از چالش‌های شایع این افراد، مدل حل مسئله آن‌هاست. حالشان بد می‌شود مصرف می‌کنند؛ عصبانی می‌شوند مصرف می‌کنند؛ حتی خوشحال می‌شوند یا بعد از غذا و چای مصرف می‌کنند. فرد تمام چالش‌ها و ناراحتی‌های زندگی‌اش را با سوءمصرف حل می‌کند، چون مهارت دیگری نیاموخته است. حتی برخی افراد در دوره درمان، دوز متادون خود را به محض یک تنش خانوادگی یا بی‌خوابی سرخود دوبرابر می‌کنند؛ چون نگاهشان به حل مشکلات همچنان مصرف‌محور است.»به گفته وی، اگر در کنار درمانگر مهارت حل مسئله بازآموزی نشود، شیوه‌های معیوب گذشته بار دیگر بیمار را به شکست می‌رسانند.

شناسایی موقعیت‌های پرخطر و مدیریت «هوس و وسوسه»

برخلاف باور رایج، محیط کاملاً امنی برای یک فرد وابسته به مواد وجود ندارد. برخی موقعیت‌ها صرفاً ریسک کمتری دارند و برخی ریسک بسیار بالایی ایجاد می‌کنند؛ از جمع دوستان صمیمی مصرف‌کننده تا تنهایی و رخوت.
پوراصغر با اشاره به تکنیک‌های شناختی-رفتاری (CBT) می‌گوید: «ما در درمان از فرم فعالیت‌های روزانه ساعت‌به‌ساعت استفاده می‌کنیم تا شدت ولع و وسوسه (Craving) فرد در طول روز رصد شود. ولع برای برخی افراد یک تجربه حسی و بدنی است؛ مثل حس خاصی در معده یا تپش قلب، و برای برخی یک توجیه شناختی با این باور غلط که "وسوسه یعنی الزام به مصرف". فرد با خودش می‌گوید "من که حالم بد شد، پس آخرش باید مصرف کنم، چرا خودم را اذیت کنم؟" درمان شناختی دقیقاً این افکار خودکار را هدف می‌گیرد و با تکنیک‌های تغییر توجه و جایگزینی رفتارهای سرگرم‌کننده، زنجیره وسوسه را قبل از تبدیل شدن به مصرف قطع می‌کند.»



پایان عصر تعطیلی مکرر مدارس

تعطیلی مدارس به دلایل مختلف از آلودگی هوا و گردوغبار گرفته تا ناترازی انرژی و بحران‌های دیگر طی سال‌های اخیر به یکی از چالش‌های جدی تبدیل شده است.این تصمیمات اگرچه در بسیاری از موارد با هدف حفظ سلامت دانش‌آموزان یا مدیریت شرایط اضطراری گرفته می‌شود اما در مجموع بخش قابل‌توجهی از زمان آموزش حضوری را از دانش‌آموزان گرفته و نگرانی‌ها درباره افت کیفیت یادگیری دانش‌آموزان را افزایش داده است.تجربه دوران کرونا یکی از مهم‌ترین نمونه‌های این وضعیت بود و مدارس ایران برای مدت طولانی تعطیل شدند و آموزش مجازی جایگزین کلاس‌های حضوری شد. در حالی که بسیاری از کشورها تلاش کردند در کوتاه‌ترین زمان ممکن مدارس را بازگشایی کنند، نظام آموزشی ایران مدت بیشتری آموزش غیرحضوری را ادامه داد و پیامدهای آن در سال‌های بعد و در نتایج ارزیابی‌های آموزشی مشاهده شد.رضوان حکیم‌زاده، معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش‌وپرورش اخیراً در گفت‌وگو با خبرنگار تسنیم با اشاره به تجربه تعطیلی مدارس در دوران کرونا گفته بود: ایران در آن دوره بیشترین تعطیلی مدارس را تجربه کرد در شرایطی که بسیاری از کشورها به‌سرعت مدارس خود را بازگشایی کردند، در ایران هر بار که موضوع بازگشایی مدارس مطرح می‌شد با هجمه‌هایی مواجه بودیم.
وی با اشاره به پیامدهای این وضعیت، عملکرد ضعیف‌تر دانش‌آموزان ایرانی در ارزیابی‌های بین‌المللی تیمز و پرلز را از جمله نتایجی دانسته بود که باید در بررسی آثار تعطیلی مدارس مورد توجه قرار گیرد.نگاهی به نتایج آزمون تیمز 2023 نیز نشان می‌دهد که وضعیت یادگیری دانش‌آموزان ایرانی نگران‌کننده است. نمره ریاضی پایه چهارم از 443 در سال 2019 به 420 در سال 2023 کاهش یافته است. در علوم همین پایه نیز نمره دانش‌آموزان از 441 به 432 رسیده است. در پایه هشتم نیز نمره ریاضی از 446 به 423 و علوم از 449 به 419 کاهش یافته است. این نتایج اگرچه نمی‌تواند به‌تنهایی تعطیلی مدارس را عامل افت تحصیلی معرفی کند اما در کنار سایر عوامل مؤثر بر کیفیت آموزش اهمیت توجه جدی به فعالیت مدارس و جلوگیری از وقفه‌های مکرر در فرایند یادگیری را نشان می‌دهد.

550 روز تعطیلی مدارس

موضوع تعطیلی‌های مکرر مدارس در ماه‌های اخیر به یکی از محورهای مورد توجه وزارت آموزش‌وپرورش تبدیل شده است. علیرضا کاظمی وزیر آموزش‌وپرورش 23 شهریور امسال در نشست شورای عالی آموزش‌وپرورش با اشاره به بررسی میزان تعطیلی مدارس در ایران و سایر کشورها گفت: بر اساس گزارش تهیه‌شده ایران حدود 550 روز تعطیلی مدارس داشته است این در حالی است که چین در دوران کرونا کمتر از نصف ایران و ژاپن نیز کمتر از 100 روز مدارس خود را تعطیل کرد.
وزیر آموزش‌وپرورش با تأکید بر اینکه در بسیاری از کشورها هنگام بروز بحران به جای تعطیلی مدارس، مدیریت شرایط در دستور کار قرار می‌گیرد، آلودگی هوا را یکی از نمونه‌های این وضعیت دانست و تأکید کرد: می‌توان با برنامه‌ریزی و مدیریت فعالیت دانش‌آموزان، جریان آموزش را حفظ کرد.کاظمی همچنین از ارائه گزارشی درباره تعطیلی مدارس به دولت خبر داد و گفت: با تصمیم دولت، مرجعیت تصمیم‌گیری درباره تعطیلی مدارس به آموزش‌وپرورش واگذار شده است تا شاخص‌های این موضوع مورد بازنگری قرار گیرد.
اکنون با نزدیک شدن به فصل سرد سال و افزایش احتمال شکل گیری آلودگی هوا و گردوغبار بار دیگر موضوع تعطیلی مدارس مطرح است با این تفاوت که موضع وزارت آموزش‌وپرورش بر کاهش تعطیلی‌ها و استفاده از راهکارهای جایگزین برای استمرار آموزش حضوری متمرکز شده است.
علیرضا کاظمی وزیر آموزش‌وپرورش در تازه‌ترین اظهارات خود بر ضرورت استمرار آموزش حضوری تأکید کرده و گفته است: سیاست وزارت آموزش‌وپرورش، استمرار آموزش حضوری است و تا زمانی که شرایط به وضعیت اضطراری و سخت نرسیده نباید آموزش غیرحضوری را مطرح کرد بنابراین تعطیلی مدارس باید آخرین راه‌حل باشد.وی با اشاره به ضرورت تداوم جریان آموزش حتی در شرایط آلودگی هوا و گردوغبار، استفاده از ماسک و مدیریت فعالیت‌های دانش‌آموزان در فضاهای باز را از جمله راهکارهای مدیریت این شرایط عنوان کرده است.وزارت آموزش‌وپرورش به دنبال تغییر رویکرد در مواجهه با شرایطی است که پیش از این به‌سرعت به تعطیلی مدارس منجر می‌شد.
آیا مدارس از اولویت تعطیلی در شرایط بحران خارج می‌شوند؟
آنچه از اظهارات اخیر مسئولان آموزش‌وپرورش برمی‌آید، تلاش برای پایان دادن به رویکرد تعطیلی آسان مدارس و تبدیل آن به آخرین گزینه در مدیریت بحران‌هاست. تجربه کرونا و نتایج نگران‌کننده آزمون‌های بین‌المللی ضرورت بازنگری در سیاست‌های آموزشی کشور را بیش از گذشته آشکار کرده است.

عصر قانون

روزنامه اجتماعی، اقتصادی

www.asrghanoon.ir

صاحب امتیاز و مدیر مسئول | **محمد جواد اهویی**
زیر نظر شورای سردبیری

عکس | **امیررضا شفایی** گرافیست و صفحه‌آرا | **آراد عبداللهی**
روابط عمومی | **جهانگیر توسلی** ناظر هنری | **محمدرضا مهدیانی**
تلفن | **۰۲۱۸۶۰۵۲۰۱۸ ـ ۰۹۹۳۱۲۴۶۶۲۴** آگهی‌ها | **۰۲۱۸۶۰۵۲۰۱۸**
نشانی | **بلوار کشاورز ـ خیابان عبدالله زاده ـ کوچه زیبا ـ پلاک ۴۴ ـ واحد ۵**
چاپ | **صمیم ـ ۴۴۵۸۲۸۱۴**

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON







حفظ آموزش حضوری

، تعطیلی مدارس به دلایل مختلف از آلودگی هوا و گردوغبار گرفته تا ناترازی انرژی و بحران‌های دیگر طی سال‌های اخیر به یکی از چالش‌های جدی تبدیل شده است.

۷

ابزارهای جنگ نرم در سینمای

محمد برادران سرپرست جلوه‌های ویژه فیلم‌های سینمایی و سریال، با اشاره به جایگاه مهم جلوه‌های ویژه در سینمای دفاع مقدس گفت: تولید فیلم‌های دفاع مقدسی به‌طور طبیعی دشواری‌های زیادی دارد.

۶

فلیک: بهترین خاطره‌ام در بارسا، اولین پیروزی‌ام در ال‌کلاسیکو است

هانسی فلیک که شاگردانش شب گذشته (شنبه) در هفته یازدهم لالیگای اسپانیا موفق شدند با نتیجه ۶ بر یک آلاوس را در ورزشگاه نوکمپ در هم بکوبند و به این ترتیب در صد و سی‌یکمین بازی به عنوان سرمربی بارسا صدمین برد خود را تجربه کرد (پس از لوئیس انریکه که در ۱۲۸ بازی به این تعداد برد رسیده بود، تبدیل به دومین مربی تاریخ بارسلونا شد که در کمترین بازی ممکن به این تعداد برد می‌رسد)، پس از این دیدار گفت: می‌دانستم که در این دیدار می‌توانم صدمین بردم را با بارسلونا تجربه کنم، اما پس از دو شکست، فکر کردن به تیم اهمیت بیشتری داشت. خاطرات ویژه بسیاری از ۱۰۰ برد نخست خود در بارسا دارم، اما بهترین آنها، اولین پیروزی‌ام در ال‌کلاسیکو بود، آن بازی که در مادرید، با نتیجه ۴ بر صفر در ورزشگاه برنابئو به برتری رسیدیم. آن برد فوق‌العاده‌ای بود. این خاطره همیشه حس مثبتی به من می‌دهد.
سرمربی آلمانی بارسلونا همچنین در ارزیابی بازی نیز اظهار داشت: آلاوس خوب دفاع کرد و با بازیکنان زیادی در نیمه خود این کار را انجام داد. با این حال، ما موفق شدیم به فضاهای کوچکی که آنها در اختیار ما قرار دادند، حمله کنیم و باید بگویم که بازی خیلی خوبی بود. ما بازی را به خوبی در کنترل داشتیم و در کارهای دفاعی هم متمرکز بودیم. نتیجه خوبی کسب کردیم و همه چیز خوب پیش رفت.
فلیک در بخش دیگری از صحبت‌هایش خاطرنشان کرد: حالا باید ریکاوری کنیم تا برای دیدار با استون ویلا در لیگ قهرمانان اروپا آماده شویم. بازی در لیگ قهرمانان اتفاقی بسیار ویژه است و البته همیشه دشوار.وی در پایان درباره ستاره اسپانیایی‌اش که در ۷۳ دقیقه حضورش در زمین دو گل به ثمر رساند و یک پاس‌گل هم ساخت، اظهار داشت: در بین دو نیمه با یامال صحبت کردم؛ وقتی دو گل به ثمر می‌رسانید، راحت‌تر می‌توانید به میدان بروید. لامین در این دقایق به اعتماد به نفس و آن گل‌ها نیاز داشت. بازی فوق‌العاده‌ای از او بود و دیدنش لذت‌بخش بود.





فوتبال انگلیس در آستانه فروپاشی

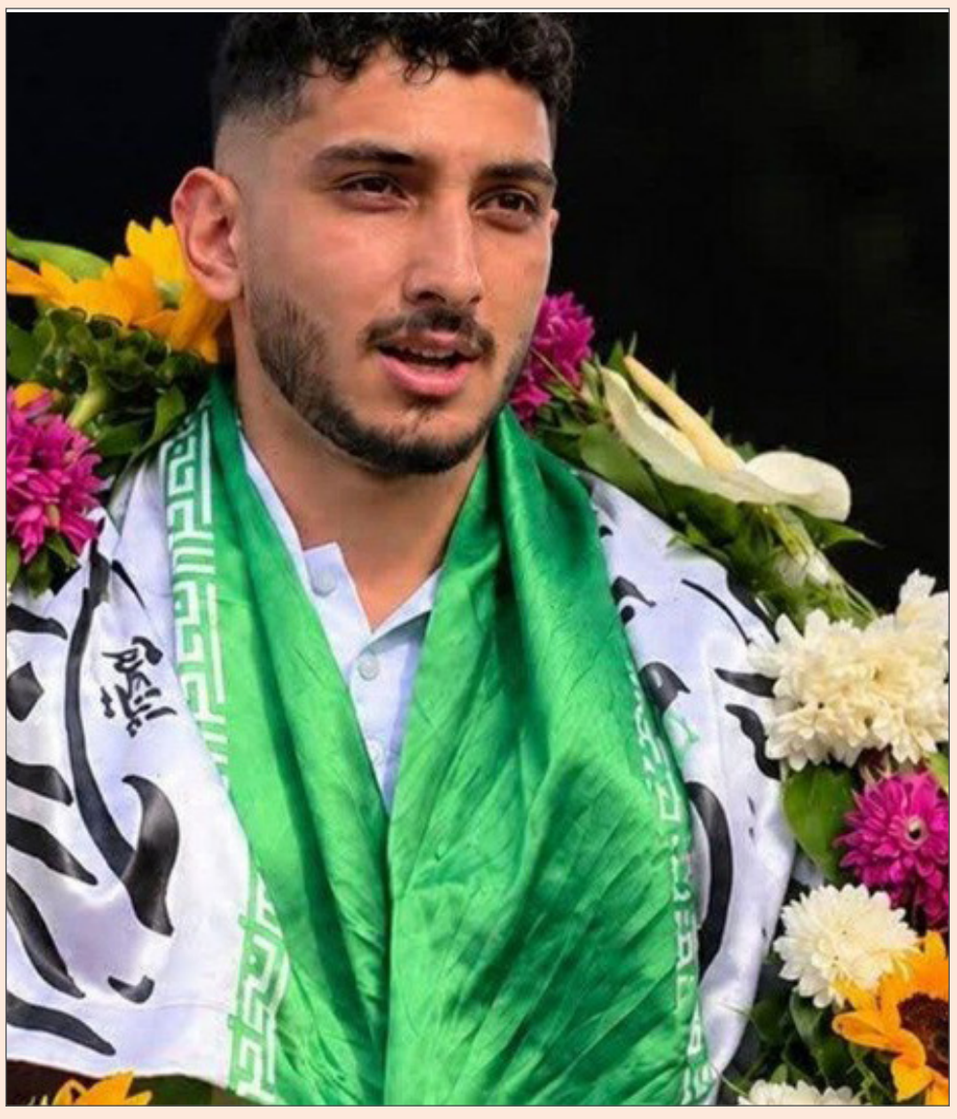
باشگاه‌های انگلیسی در تابستان ۲۰۲۶ حدود ۳,۸ میلیارد یورو برای جذب بازیکنان جدید هزینه کردند؛ رقمی که رکوردی بی‌سابقه در تاریخ فوتبال جهان برای یک لیگ محسوب می‌شود. با این حال، گزارش ۲۴۴ صفحه‌ای نهاد مستقل ناظر بر فوتبال انگلیس تصویری متفاوت از وضعیت اقتصادی این صنعت ارائه می‌دهد.دیوید کوگان، رئیس این نهاد، معتقد است موفقیت ورزشی و تجاری فوتبال انگلیس با یک تناقض جدی همراه شده است. به گفته او، باشگاه‌های این کشور از ثروتمندترین و رقابتی‌ترین تیم‌های جهان هستند اما افزایش درآمدها نتوانسته با رشد هزینه‌ها هماهنگ شود. در نتیجه، بسیاری از آنها با وجود گردش مالی بالا از نظر اقتصادی در وضعیت پایداری قرار ندارند.



پرسپولیس همکاری نکرد؛ تبعات پرونده بیفوما با آنهاست

بهنام ابوالقاسم‌پور، درباره وضعیت پرونده میان باشگاه‌های پرسپولیس و استقلال خوزستان بر سر انتقال تیوی بیفوما اظهار داشت: آنچه امروز از سوی باشگاه استقلال خوزستان در این پرونده دنبال می‌شود، صرفاً یک اختلاف ساده فوتبالی نیست؛ بلکه موضوعی مرتبط با اعتبار قراردادهای رسمی، رعایت حقوق باشگاه‌ها و پایبندی به اصول حرفه‌ای و مقررات حاکم بر فوتبال است.وی در ادامه اظهارات خود تصریح کرد: باشگاه استقلال خوزستان در زمان عقد قرارداد با این بازیکن، بر اساس توافقات رسمی و تعهدات قراردادی، حقوق مشخصی برای خود ایجاد کرده بود و انتظار داشت همه باشگاه‌ها و عوامل مرتبط با فوتبال، به این تعهدات احترام بگذارند.

بوکسوری که رینگ انسانیت را به اسرائیل نفروخ



گاهی نتیجه یک مسابقه ورزشی تنها با تعداد ضربات، امتیازهای ثبت‌شده یا رنگ مدال مشخص نمی‌شود؛ گاهی تصمیمی خارج از رینگ، معنایی فراتر از رقابت و قهرمانی پیدا می‌کند و به نمادی از باور، موضع و پایبندی به ارزش‌هایی تبدیل می‌شود که برای یک ورزشکار از هر عنوان و افتخاری مهم‌تر است.تصمیم امیرمحمد رستم‌پور، بوکسور جوان گلستانی، در مسابقات قهرمانی جوانان جهان در بودوا مونته‌نگرو، از همین جنس بود؛ تصمیمی که باعث شد او با وجود حضور در میدان رقابت‌های جهانی و شانس کسب مدال، از ادامه مسابقات انصراف دهد تا مقابل نماینده رژیم صهیونیستی قرار نگیرد.مسابقات بوکس جوانان جهان با حضور بیش از 500 بوکسور از 69 کشور در شهر بودوا مونته‌نگرو برگزار شد؛ رقابت‌هایی که ورزشکاران کشورهای مختلف برای رسیدن به سکوهای قهرمانی و کسب افتخار در آن حضور پیدا کرده بودند.رستم‌پور نیز با هدف رقابت در این میدان بین‌المللی و تلاش برای کسب مدال جهانی راهی مسابقات شده بود، اما قرار گرفتن نماینده رژیم صهیونیستی در جدول رقابت‌ها و قرار گرفتن این بوکسور صهیونیستی در مسیر نخستین مبارزه او، شرایط متفاوتی را پیش‌روی ورزشکار گلستانی قرار داد.رستم‌پور در مواجهه با این وضعیت تصمیم گرفت به حضور خود در مسابقات پایان دهد و از رویارویی با نماینده این رژیم خودداری کند؛ انتخابی که به‌معنای کنار گذاشتن فرصت ادامه رقابت برای کسب مدال بود، اما او ترجیح داد موضع خود را در قبال رژیم صهیونیستی و جنایت‌های آن، با تصمیمی عملی نشان دهد.این بوکسور جوان پس از بازگشت، در جمع مردم گرگان و در تجمعات شبانه مردمی حضور یافت و در گفت‌وگو با تسنیم درباره انگیزه و چرایی این تصمیم سخن گفت؛ تجمعاتی که مردم گرگان مانند همه مردم ایران بیش از 240 شب است با حضور در آن، بر ایستادگی خود پای ایران، انقلاب و آرمان‌های شهدا تأکید می‌کنند.

تصمیمی فراتر از رقابت برای کسب مدال

رستم‌پور در گفت‌وگو با خبرنگار خبرگزاری تسنیم، پیش از اینکه بخواهد از اقدام ارزنده خودش سخن بگوید از حضور و ایستادگی مردم مبعوث در خیابان‌ها قدردانی و اظهارکرد: به‌احترام مردم عزیز ایران باید سر تعظیم فرود آورد، کسانی که بیش از 240 شب است در میادین ایستاده‌اند تا بگویند پای ایران، پای انقلاب و پای آرمان‌های شهدا ایستاده‌اند.وی با اشاره به احساس غرور خود از حضور در جمع مردم گرگان ابراز کرد: من امشب در جمع مردم احساس غرور کردم؛ چون آنها در این میدان، با حضورشان از شرافت و عزت ایران دفاع می‌کنند و من هم چند روز پیش در میدان دیگری، در مسابقات جهانی، فرصتی داشتم تا همین اعتقاد را به نمایش بگذارم.این ورزشکار گلستانی با تشریح علت انصراف خود از مسابقات جهانی افزود: وقتی در جدول مسابقات، نام نماینده رژیم غاصب و کودک‌کش صهیونیستی را دیدم، تصمیم گرفتم مقابل او قرار نگیرم؛ نه از سر ترس، نه به‌دلیل ناتوانی و نه از روی مصلحت‌اندیشی؛ بلکه از سر اعتقاد، غیرت و شرافت.رستم‌پور با تأکید بر اینکه هدف اولیه‌اش از حضور در رقابت‌ها کسب مدال بوده است، ادامه داد: من برای کسب مدال به آن میدان رفته بودم، اما وقتی پای عزت ایران و خون شهدای مظلوم به میان آمد، فهمیدم بعضی مدال‌ها را باید به‌قیمت نرفتن به میدان به دست آورد.
وی گفت: با خودم گفتم؛ چگونه می‌توانم به میدان مبارزه بروم، اما چشم بر جنایت‌های رژیمی ببندم که دستش به خون کودکان و زنان بی‌گناه آلوده است؟ چگونه می‌توانم به فکر مدال باشم، وقتی داغ شهدای مظلوم میناب بر دل ملت ایران سنگینی می‌کند؟بوکسور جوان گلستانی با اشاره به تصمیم نهایی خود برای کناره‌گیری از رقابت‌ها تصریح کرد: من تصمیم گرفتم از مسابقه انصراف بدهم؛ شاید مدال جهانی را از دست دادم، اما دلم می‌خواست پیش وجدانم، پیش مردمم، پیش خانواده شهدا و در محضر خداوند سربلند باشم.وی با بیان اینکه این اقدام را برخاسته از باورهای اعتقادی و ملی خود می‌داند، گفت: من این کار را به‌یاد امام و رهبر شهیدمان، شهدای عزیز و به‌عشق مردم سرزمینم انجام دادم.